



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



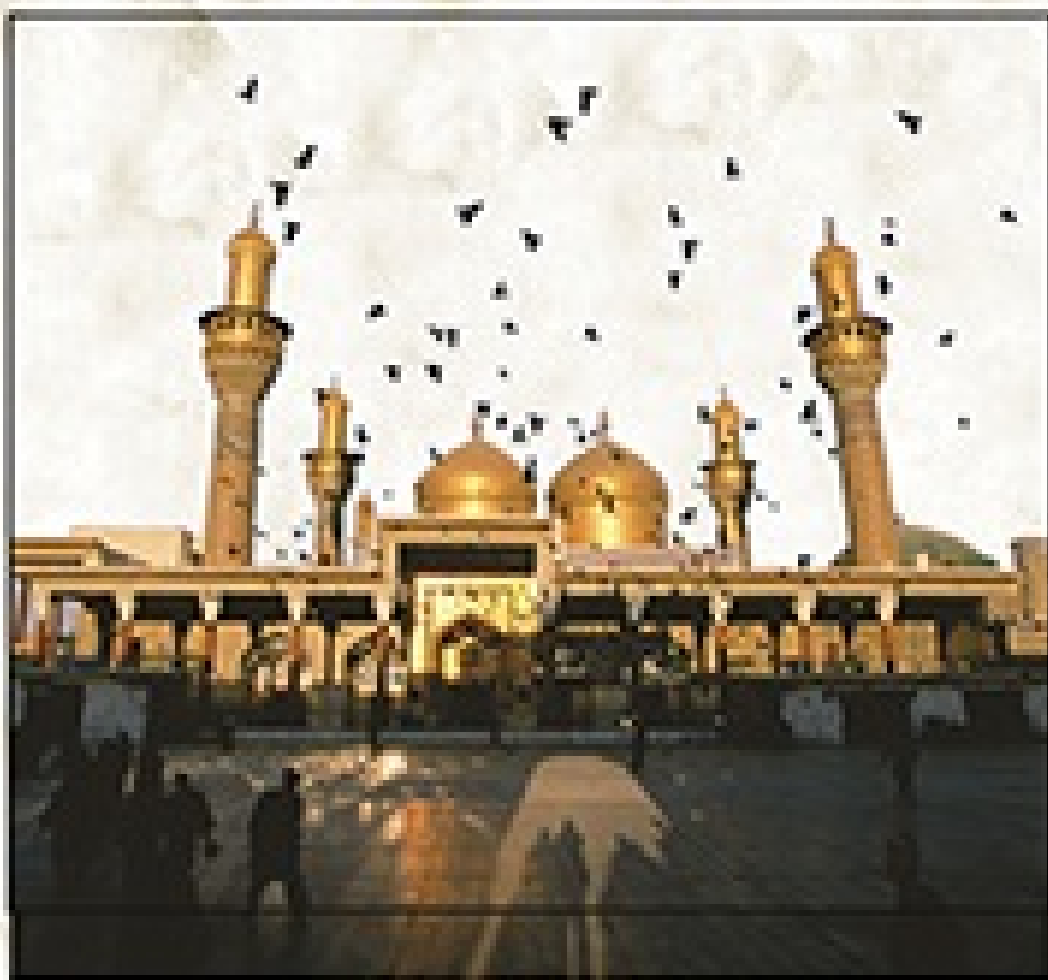
عمران

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

شیوه های دعوت به نماز

با نگاهی به ریشه های تفریق

تألیف: سعید جواد بهشتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری

نویسنده:

جواد بهشتی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۴	خلاء شیوه های دعوت
۲۰	۱. احساس سپاس گذاری
۲۰	اشاره
۲۵	قصه
۲۶	خاطره
۲۸	شمارش نعمت ها و نمایش نعمت ها
۳۳	پژوهش قرآنی
۳۴	نعمت شماری در دعای عرفه
۴۰	شکر نعمت های ویژه
۴۲	خاطره ای از انقلاب اسلامی ایران
۴۶	سوره های نعمت شماری
۴۷	توحید مفضل، سندی دیگر
۴۸	۲- احساس ستایش گری (مدح)
۴۸	اشاره
۵۰	خاطره
۵۳	نمونه هایی از آیات الهی در آینه قرآن
۵۶	خاطره
۵۹	پیامبر و تماشای ستاره ها
۶۲	زامداران مسلمان، نیایش گران عاشق
۶۳	طاووس، نشانه ای از نشانه های خدا

۶۷	شگفتی های آفرینش خفایش
۷۰	۳- احساس نیایش گری
۷۰	اشاره
۷۲	الف- نیایش های قرآنی
۱۰۲	۴- احساس پناه جویی
۱۰۲	اشاره
۱۰۸	دعای پناه جویی (استعاذه) (دعای هشتم صحیفه):
۱۱۱	خطرات مرگ های ناگوار
۱۱۱	خطرات طبیعی
۱۱۲	خطرات اجتماعی
۱۱۴	خطر گناهان
۱۱۶	خطرهای اخلاقی و درونی
۱۱۸	خطرهای معنوی و اعتقادی
۱۱۹	شیطان خطری جدی
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	الف ویژگی های شیطان
۱۲۱	ب- اهداف شیطان
۱۲۶	ج- ابزار شیطان
۱۳۰	د- روشهای شیطان
۱۳۶	ه- راه های مقابله و خنثی سازی
۱۳۸	درباره مرکز

شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهشتی، سیدجواد، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری / سیدجواد بهشتی.

مشخصات نشر: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص.

شابک: ۳۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۷۴-۷؛ ۳۲۰۰۰ ریال (چاپ اول)؛ ۳۲۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۳۲۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: چاپ سوم: تابستان ۱۳۹۲.

یادداشت: چاپ چهارم: بهار ۱۳۹۳.

موضوع: نماز

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: BP۱۸۶/ب۹۱۶ش ۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۴۹۰۰۷

ص: ۱

اشاره

شیوه های دعوت به نماز

با نگاهی به ریشه های فطری

سیدجواد بهشتی

ص: ۳

سرشناسه: بهشتی، سیدجواد، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری، سیدجواد بهشتی

مشخصات نشر: تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص.

شابک: ۷-۰۷۴-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸ قیمت: ۳۲۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نماز

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ش ۹۱۶ ب / ۱۸۶BP

رده بندی دیویی: ۲۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۴۹۰۰۷

نام کتاب: شیوه های دعوت به نماز

نویسنده: سیدجواد بهشتی

ناشر: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: پنجم، بهار ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: نگارش امروز

قیمت: ۳۲۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱- تهران، میدان فلسطین، ستاد اقامه نماز - تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹ - ۸۸۹۶۶۶۶

۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شایک: ۷-۰۷۴-۰۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸

ص: ۴

نزدیک ده سال که از تاسیس ستاد اقامه نماز گذشت، روزی خدمت استاد عزیزم جناب آقای قرائتی رسیدم و عرض کردم: خدا را شکر در این ده سال کارهای خوبی انجام شده است. یکی از دستاوردهای این دهه، انتشار حدود ۳۰۰ عنوان کتاب درباره نماز است. از آن جایی که من عشق وافر به این موضوع داشته ام تقریباً موفق شده ام که تمام این کتاب ها را بخوانم. جمع بندی من از مطالعه این سیصد کتاب این است که تمام این کتاب ها درباره اهمیت، فلسفه، آثار، اسرار، اشعار، داستان ها، آیات و احادیث و احکام نماز است. اما جای یک موضوع مهم خالی است ایشان فرمودند: کدام موضوع گفتم شیوه های دعوت به نماز. از ایشان پرسیدم به نظر شما در این روزگار پر غوغا با وجود این همه رسانه و ماهواره و شبکه های مجازی و محیط های فرهنگی و جاذبه های گوناگون چگونه ما مخاطبان را با این گوهر آشنا کنیم و با این موضوع پیوند بزنیم؟ ایشان فرمودند: من الآن فرصت ندارم و سراغ

موضوع زکات رفته ام که آن هم موضوع بسیار مهم و به زمین مانده است. بعد به من فرمودند: این کار را خودت پیگیری کن.

من هم به مدد الهی کار را شروع کردم، ابتدا یک دور آیات قرآن در موضوع نماز را مرور کردم چون دیدگاهم این بود که قرآن علاوه بر محتوی، روش هم هست باید کشف کنیم خدای حکیم با چه روش هایی بندگانش را به این فریضه دعوت فرموده است. سپس رفتم به سراغ سیره پیامبر عزیز اسلام و ائمه معصومین (علیهم الصلاه و السلام). و در پایان به سراغ کتاب هایی که توسط بزرگان و علماء نوشته شده رفتم. در حین مطالعاتم رسیدم به یکی از کتاب های حضرت امام خمینی به نام پرواز در ملکوت. جمله ای در این کتاب مرا جذب خود کرد که صدها ساعت براساس این جمله فکر و مطالعه کردم و این کتاب بخشی از نتایج آن روزهاست.

جمله امام این بود: مؤثرترین روش در دعوت به نماز پرورش ریشه های فطری نماز است. خوب سرفصلی برای تحقیق پیدا کرده بودم و آن پرورش ریشه های فطری نماز بود. سپس کار را در چند مرحله انجام دادم:

مرحله اول: کشف ریشه های فطری نماز

مرحله دوم: باز شناسی این ریشه ها

مرحله سوم: ارائه راه کارهایی برای پرورش آن ها

مرحله چهارم: پیاده کردن و آزمایش کردن آن ها

قبل از شروع لازم است امتیازات این شیوه را عرض کنم:

ص: ۸

امتیاز اول این شیوه این است که زبانی بین المللی و قابل فهم برای همه مردم جهان را دارد؛ زبانی که ما امروز به شدت نیازمند آن هستیم. اکنون که در جهان دیوارها برچیده شده و مردم دنیا به راحتی می توانند با هم تماس بگیرند، پرس و جو کنند، گفت و گو کنند و از آیین و مرام و فکر و فرهنگ دینی و مذهب همدیگر سؤال کنند. در این روزگار دینداران باید مهارتی پیدا کنند که دین خود را با روشی بیان کنند که مردم دنیا با هر دین و آیینی بگویند بیان شما را فهمیدیم و فلسفه کار شما را پسندیدیم. نیازی نیست که بگویند دین شما را پذیرفتیم اما اگر بگویند ایده شما را فهمیدیم و پس از آن بگویند پسندیدیم، دو گام مهم را برداشته ایم. این شیوه چون مبتنی بر فطرت انسانی است، دارای چنین ظرفیتی است.

امروز جوان مسلمان وقتی با این سؤال روبه رو می شود که چرا نماز می خوانی؟ باید پاسخی داشته باشد. باید پاسخ او متناسب با فهم و درک جوانان همه کشورهای باشد. حرفی بزند که یک جوان امریکایی، روسی یا چینی غیرمسلمان را به فکر فرو برد و این ممکن نیست مگر با یک زبان مشترک که همان زبان فطرت است. این سرمایه ای که خداوند در نهاد تمام بندگانش گذاشته و انبیاء هم برای شکوفایی همین سرمایه آمده اند.

از آسیب هایی که امروزه ما به آن مبتلا هستیم، عدم تسلط جوانان به پاسخ گویی به پرسش ها و شبهاتی است که به راحتی از مرزها

می‌گذرد و وارد ذهن، حافظه و محیط‌های فرهنگی و مذهبی ما می‌شود ما باید به پاسخ‌های قانع‌کننده، آرام‌کننده منطقی، قابل‌پسند مجهز شویم، و باید ذهن مخاطب خود را از شهر و دیار خود وسیع‌تر کرده و جهانی فکر کنیم چرا که واقع‌قصه این است که وسایلی که در دهه‌های گذشته در اختیار جامعه بشری قرار گرفته، چنین سفره‌ای را پهن کرده که هم خداپرستان می‌توانند، فرصت را غنیمت شمرده و بذریکتاپرستی را در دل‌های عالمیان پیاشند و هم قهراً هواداران شیطان از این فرصت برای انحراف و گمراهی جمعیتی حداکثری برنامه‌ریزی می‌کنند. بهترین، ارزان‌ترین و موثرترین سرمایه ما برای ورود به این میدان، بهره‌برداری از سرمایه فطرت است و برنامه‌ریزی برای زدودن گرد و غبار از فطرت خدادادی و شکوفایی فطرت توحیدی است. آری این امتیاز بزرگ این طرح است.

ب- تأثیر عمیق

امتیاز دوم این شیوه تأثیر عمیق آن است. روش‌های افزایش دانش در تقویت انگیزه تأثیر کمی دارند و در سطح حرکت می‌کنند، اما شیوه فطری چون در عمق جان انسان جای دارد، خیلی زود به عشق کشیده می‌شود و امکان ریزش آن کم است. ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که نیازمند خودمدیریتی افراد هستیم. بچه‌های ما خیلی زود از دامن خانواده به دامن رسانه و تکنولوژی کشیده

ص: ۱۰

می شوند و پس از مرحله اول تحصیل از شهر و کاشانه خود مهاجرت کرده و به شهر و کشوری دیگر منتقل می شوند باید مشعلی در درون آن ها روشن شود که به صورت خداجوش و بدون عاملی از بیرون رابطه آن ها را با خالق گرم نگه دارد. در خلوت های آن ها مونس آن ها شود و احساس کنند این رابطه به کار او می آید. هم در این دنیا و هم در دنیای بزرگ تر و واقعی تری که در پیش دارد هم در زندگی مادی و هم در رشد معنوی او به کار می آید. نباید احساس کند حرکتی اجباری، اکراهی و دستوری است. خودش باید شیرینی نماز و بندگی را بچشد تا در تنهایی نیازی به عامل محرک بیرونی نباشد و در محیطی آرام اقدام به اقامه نماز کند و با افتخار به این کار همت بگمارد. بنابراین امتیاز دوم این شیوه، نفوذ عمیق در جان انسان هاست.

خاطره

در یکی از سفرهای استانی یکی از دوستان فرهنگی از من پرسید: استاندارد نمازی که از ما خواسته شده جماعت است یا فردی؟ من در پاسخ گفتم: ماموریت ما دعوت به نماز جماعت و تبلیغ برای نماز جماعت، است اما تست کار ما نماز فردی است. شلوغی دانش آموزان در نمازخانه مدارس نشانه موفقیت ما نیست، بلکه علاقه دانش آموز به نماز در فصل تابستان و یا پس از فارغ التحصیلی و در سفر، نشانه موفقیت ماست.

سال‌ها قبل بحثی را تهیه کردم تحت عنوان دیدنی‌های اهل آسمان. به احادیثی دست پیدا کردم که مضمون آن‌ها این بود که صحنه‌هایی در زمین پیش می‌آید که خداوند فرشتگان را فرا می‌خواند و می‌فرماید: «یا مَلَائِكَةُ انظُرُوا»، ای فرشتگان بیایید تماشا! این احادیث قدسی را گردآوری کردم، یکی از آن‌ها این حدیث است که خداوند می‌فرماید: وقتی جوانی در تنهایی به برای اقامه نماز وضو می‌گیرد، اذان می‌گوید و به نماز می‌ایستد خداوند می‌فرماید: ای فرشتگان بیایید تماشا! این بنده من این جوان می‌توانست به سوی هوس خود، لذت خود و گناه برود اما او مرا انتخاب کرده گفت و گوی با من را برگزیده، ببینید چه قدر تماشایی است. آری، ما اگر بتوانیم در آفرینش این اثر هنری زیبا که برای آسمانیان زیاست، نقش داشته باشیم کار بزرگی کرده ایم.

نمازی که از درون می‌جوشد آگاهانه، عارفانه، عاشقانه، خاضعانه و با حضور قلب شیوه پرورش ریشه‌های فطری چنین نقطه‌ای را هدف گرفته است. نمازی واقعی و بالا برنده.

در این نوشته ما از ریشه‌های فطری نماز به احساسات مذهبی تعبیر می‌کنیم و در حد توان به بیان چهار احساس مذهبی و یا ریشه‌های فطری نماز خواهیم پرداخت.

بر اساس آیات قرآن و احادیث یکی از ریشه های عبادت و نماز سپاس گزاری از خداوند است. قرآن کریم در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره بقره می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ» ای مردم عبادت کنید پروردگارتان را.

سؤال مطرح می شود چرا عبادت؟ پاسخ می دهد «الَّذِي خَلَقَكُمْ» چون شما را آفریده «وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» پدر و مادر شما را آفریده به شکرانه این نعمت او را بپرستید، «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۲۱ بقره) باشد که پرهیزکار شوید. «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَاشًا» خدایی که زمین را برایتان چون فرشی بگسترده «وَالسَّمَاءَ بَنَاءً» و آسمان را چون بنایی بیافراشت «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» و از آسمان آبی فرستاد «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» و بدان آب برای روزی شما از زمین هر گونه ای برویاند «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۲۲ بقره) و خود می دانید که نباید برای خدا همتایانی قرار دهید.

می بینید که مخاطبش مردم هستند. نه مسلمانان (یا أَيُّهَا النَّاسُ) مردمی هستند که فطرت سپاس گزاری دارند. قرآن به تمام مردم می گوید: ریشه عبادت سپاس گزاری از خداست خدایی که نعمت ها و هدایای او را در تمام زندگی خود هر روز و شب حس می کنیم. پدر و مادر، زمین، آسمان، باد و باران و...

احساس سپاس گزاری چیست؟

هم چون طبیعی که نیاز می بیند گاهی برای سلامت فرد قسمتی از کبد، پوست یا دستگاه گوارش او را نمونه برداری کرده به آزمایشگاه ببرد و زیر ذره بین گذاشته و اجزاء آن را دقیق مطالعه کند تا برنامه ای برای سلامت فرد پیشنهاد کند، ما هم می خواهیم این احساس مذهبی یا ریشه فطری را به آزمایشگاه برده و اجزاء و لایه های آن را مورد بررسی قرار داده، برای شکوفایی این احساس راهکار ارائه دهیم.

شما هم با ما همراه شوید، می خواهیم به تماشای یک احساس برویم. این گونه طرح مسئله می کنیم.

وقتی ما انسان ها مورد لطف قرار می گیریم و از کسی هدیه ای می گیریم، این پیام ها را دریافت می کنیم:

۱. احساس می کنم هدیه دهنده مرا دوست دارد.

۲. احساس می کنم هدیه دهنده دوست دارد که از هدیه او خوب استفاده کنم.

۳. خود را موظف می بینم در برابر او عکس‌العملی نشان دهم، از این رو تشکر خود را با کلمات یا با حرکات نشان می دهم.

۴. احساس می کنم که بین ارزش هدیه و نوع تشکر رابطه ای است.

۵. احساس می کنم که تشکر خوب من، زمینه ساز هدایای دیگر است.

۶. احساس می کنم که نوع تشکر من باید موردپسند هدیه دهنده باشد.

مروری دیگر:

اول این که: همهٔ انسان ها وقتی موردلطف قرار می گیرند، حالتی خوشایند دارند و احساس می کنند که محبوب هستند و محترم، هرچه هدایا بیش تر احساس مهر بیش تر می کنند.

دوم این که: احساس می کنم که هدیه دهنده دوست دارد من از هدیهٔ او استفاده کنم و خوب استفاده کنم. اگر عطری داده خود را خوش بو کنم. اگر خودنویدی داده با آن بنویسم. اگر دوربین لطف کرده با سلیقه عکس بگیرم و عکس ها را در آلبومی در کنار هم بچینم. اگر ضبط صوتی داده، با آن صداهای خوب و سخنان خوب ضبط کنم. وقتی هدیه دهنده می بیند هدیه او بیکار در کناری افتاده و یا حیف و میل شده رنجیده خاطر می شود؛ وقتی می بیند به جای این که با دوربین او از مناظر زیبا عکس بگیرم، از آشغال ها عکس گرفته ام و به جای این که صداهای زیبا و سخنان زیبا را ضبط کنم

صداها و سخنان ناخوشایند را ضبط کرده ام. لطف خود را از این به بعد از من دریغ می دارد، گویا مرا لایق این هدیه نمی داند.

وقتی شما وارد خانه دوستی می شوید که چند ماه قبل برایش سماوری را کادو برده اید مشاهده می کنید که سماور روشن است و قل قل می کند به شوق می آید. در حدیث می خوانیم وقتی خداوند نعمتی را به بنده اش می دهد، دوست دارد اثر آن را ببیند که بنده اش از آن نعمت در راهی درست استفاده می کند.

سوم این که: احساس می کنم باید در برابر هدیه دهنده عکس العملی نشان دهم خواه با کلمات یا با حرکات حرفی بزنم کلمه ای بگویم؛ قبلاً می گویم: خیلی ممنون، متشکرم، قربان شما و... یا دستی تکان دهم، یا دستم را در مقابل او به سینه بگذارم یا به رسم تشکر، شبیه نظامی ها دستم را تا نزدیک گوش ببرم. این احساسات در فرهنگ تمام ملت ها هست. حتی اگر به جنگل های آمازون سفر کنیم و آداب و رسوم انسان های هزاره های قبل را ببینیم، این احساسات را به راحتی مشاهده می کنیم، منتهی به اشکال مختلف. انسان ها با هر دین و مرام در مقابل لطف عکس العمل نشان می دهند. کلمه ای می گویند یا با حرکتی احساس خود را نشان می دهند و اگر کسی هدایایی را دریافت کند و هیچ عکس العملی نشان ندهد، همه او را سرزنش می کنند و در حق او می گویند: ای ناسپاس، ای نمک شناس، ای بی احساس و...

چهارم این که: احساس می‌کنم که بین ارزش هدیه و نوع تشکر رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همه جا یک جور عکس‌العمل نشان نمی‌دهم، بلکه به نسبت ارزش هدیه یا موقعیتی که در آن قرار گرفته‌ام یا شخص هدیه‌دهنده فرق می‌گذارم و در هر جا به گونه‌ای تشکر می‌کنم.

اگر یکی از دوستان خودکاری را هدیه داد، شاید یک کلمه را کافی بدانم، مثلاً بگویم متشکرم. اما اگر خودنویسی اعلاء بود چند کلمه می‌گویم، اگر سکه‌ای طلا- یا اتومبیل بود به دنبال کلمات تازه و بیش‌تر می‌گردم، شاید با شعری یا متنی ادبی احساس خود را بیان کنم. اگر هدیه او خانه‌ای مورد نیاز من یا شغلی متناسب با من بود خود را مدیون می‌دانم و بارها با ادای احترام از او تشکر می‌کنم و یکی دوبار تشکر را ناکافی می‌دانم.

گاهی هدیه از این حرف‌ها بالاتر است کسی است؛ که کلیه اش را به من هدیه داده و یا جراحی که جان مرا به من برگردانده و یا کسی که با اهدای عضوی سلامتی مرا بازگردانده، در این گونه موارد عکس‌العمل من به طور کلی فرق می‌کند شاید هزاران بار تشکر را ناکافی می‌دانم، حتی لازم نمی‌دانم که او حضور داشته باشد، در عالم تنهایی و خلوت خود از او به خوبی یاد می‌کنم؛ با خودم زمزمه می‌کنم و با کلماتی از لطف او تشکر می‌کنم.

او بود که به من کلیه داد بدون این که از من توقعی داشته باشد، بدون این که بر من منتی بگذارد؛ فقط چون مرا دوست داشته
در

حق من این لطف را کرده نمی دانم با چه زبانی از او تشکر کنم. چند بار تشکر کنم، اگر فرزند من در حال غرق شدن بود و کسی او را نجات داد، در برابر این لطف چند بار تشکر کنم کافی است؟

پنجم این که: احساس می کنم که تشکر خوب من زمینه ساز هدایای دیگر است. وقتی خوب تشکر می کنم در حقیقت می خواهم بگویم من ادب دارم، من لایق هستم؛ این احساس در همه فطرت ها نهفته است و نیازی به آموزش ندارد قرآن هم بر این امر صحه می گذارد و می فرماید: «لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» اگر سپاس گزاری کنید بر شما می افزایم، شکر نعمت نعمت افزون کند.

قصه

امام صادق(ع) در سرزمین منی مراسم حج را به جای آورده و خسته وارد خیمه ای شدند، سبد انگوری جلوی حضرت بود تا میل کنند، سائلی وارد شد و کمک خواست امام خوشه انگوری به او هدیه کرد اما او با بی ادبی گفت: انگور نمی خواهم پول بدهید. امام ناراحت شده و فرمود: خدا خیرت بدهد و سائل دست خالی برگشت. امام خواست انگور میل کند که فقیر دیگری وارد شد و کمک خواست، امام چند دانه انگور به او داد او هم گرفت و گفت: «الحمد لله رب العالمین» امام به شوق آمد و یک دو مشتی انگور به او داد مرد فقیر انگورها را گرفت و گفت: «الحمد لله رب العالمین» امام تمام سبد انگور را به او داد، او هم گرفت و گفت: «الحمد لله رب

العالمین». امام رفت و مبلغی پول آورد و به او داد او هم پول ها را گرفت و گفت: «الحمد لله رب العالمین». امام لباس های خود را به او داد او هم گرفت و گفت: «الحمد لله رب العالمین». (بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۴۳)

در حدیث می خوانیم: نعمت ها کلید و قفلی دارند، کلید آن ها تشکر و قفل آن ها ناسپاسی است. تشکر برکت آفرین است، چه تشکر از مردم و چه تشکر از خداوند. هرچه روحیه تشکر در اجتماع قوت بگیرد همدلی، امیدواری و رضایت مندی از کار بیش تر می شود.

خاطره

برای شرکت در همایش نماز به تبریز رفتم، وارد سالنی شدم که حدود ۸۰۰ دختر دبیرستانی حضور داشتند. تا خواستم سخنم را شروع کنم بچه ها فریاد زدند: سخنرانی نه. پاسخ به سئوالات. من هم گفتم من سواد چندانی ندارم، سؤال کنید اگر بلد بودم پاسخ می دهم. فضا آماده شد برای پرسش و پاسخ. بچه ها می پرسیدند و من هم در حد توانم پاسخ می گفتم؛ نوبت رسید به دختری که از آخر سالن درحالی که حرکت می کرد با صدایی مردانه و حالتی طلب کارانه سؤال خود را مطرح کرد، سؤال او این بود که حاج آقا خداوند چه نیازی به نماز ما دارد؟

من گفتم: جوابت را می خواهم از قول حضرت فاطمه زهرا(س) بدهم. حضرت فاطمه خطبه ای دارند که مشهور است به خطبه

فدک. فزاهای اول خطبه درباره موضوع سپاس گزاری است حضرت می فرماید: سپاس خدایی که بیشمار نعمت در اختیار ما قرار داد و برای افزایش نعمت ها کلیدی به نام تشکر به دست ما داد.

از دختر دانش آموز پرسیدم، قبول داری خدا دوستت دارد؟

گفت: آری چون مرا آفریده و امکاناتی در اختیار من قرار داده و نعمت هایی به من ارزانی داشته است. گفتم: از این به بعد هم این نعمت ها را می خواهی؟ آینده روشن، موفقیت چشم گیر و مصونیت از حوادث؛ گفت: آری روشن است. گفتم: تشکر ما به معنای نیاز خداوند نیست، بلکه به معنای این است که خدایا من ادب دارم، من لایق نعمت های تو هستم نعمت هایت را از من دریغ مدار.

قرآن کریم می فرماید: اگر شکر کنید، فایده اش بخودتان برمی گردد.

ششم این که: احساس می کنم نوع تشکر من باید موردپسند هدیه دهنده باشد. ما در آداب و رفتارهای اجتماعی که با هم دیگر داریم، بین افراد را فرق می گذاریم، با بعضی خیلی صمیمی و نزدیک هستیم و از ادبیاتی خاص استفاده می کنیم و با مدیر و رئیس و مسئول به گونه ای دیگر و با علماء و مراجع نیز به صورتی دیگر. در برابر هر کسی هر کلمه ای را به کار نمی بریم و هر حرکتی را انجام نمی دهیم، بلکه متناسب با شخصیت او، واژه انتخاب می کنیم و کلمه ای که او بپسندد را به کار می بریم. اگر می خواهیم به رسم ادب چیزی پیش کش کنیم، حتماً متناسب با جایگاه او انتخاب می کنیم. بسیاری می پرسند: چرا نماز را به زبان عربی می خوانیم؟

چرا نماز را در این وقت ها می خوانیم؟ چرا نماز را به این شکل می خوانیم؟ پاسخ تمام این سئوالات در همین نکته نهفته است: چون او این گونه می پسندد.

شمارش نعمت ها و نمایش نعمت ها

پرورش یک گیاه نیاز به دانش و تجربه دارد چه طور ممکن است پرورش یک احساس در انسان بدون دانش و تجربه صورت گیرد؛ انسان پیچیده ترین و والاترین مخلوق خداست؛ پس باید راه های پرورش احساسات او را پیدا کرد تا به نتیجه رسید. خداوند به حضرت موسی پیام داد که ای موسی: مردم را عاشق من کن، موسی کلیم الله عرض کرد خدایا چگونه؟ خداوند فرمود: نعمت هایم را بشمار، بندگانم عاشق می شوند. (بحارالانوار، ج ۲، ص ۴)

شمارش نعمت های خداوند، احساس سپاس گزاری را در انسان ها تقویت می کند و مهر خدا را در دل ها تحکیم می بخشد و به تبع آن روحیه سرکشی و سرمستی را سرکوب و روحیه اطاعت پذیری و افتادگی در پیش گاه خدا را ایجاد می کند.

نعمت های خداوند مهربان آن قدر زیاد است که از شمارش بیرون است. قرآن می فرماید: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» و اگر بخواهید بشمارید نعمت های خداوند را نمی توانید بشمارید. اما بسیاری از انسان ها علیرغم دریافت این همه نعمت، ناسپاسی

می کنند «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» همانا انسان بسیار ستم پیشه و بسیار ناسپاس است.

ما می توانیم با شمارش نعمت ها این انسان ستم پیشه ناسپاس را به انسان عادل شکور و محبوب خدا تبدیل کنیم. شیوه روشن است، نعمت های خدای مهربان را بشماریم. برای نعمت شماری، باید برای هر سنی نعمت های متناسب با آن سن را برشمرد، نعمت هایی که او با آن ها سروکار دارد و از آن ها لذت می برد و اگر از دست برود زندگی او سخت می شود.

در قرآن کریم نام بیش از هزار نعمت آمده. نعمت های مادی، نعمت های معنوی، نعمت های جسمی، نعمت های روحی، نعمت های فردی، نعمت های اجتماعی، نعمت های دنیایی و نعمت های آخرتی.

بیا یاد امتحان کنید، مدتی فکر و اندیشه خود را با نعمت های خدای مهربان مانوس کنید رابطه و رفاقت با خداوند برقرار می شود. پیام شمارش نعمت ها و فراوانی نعمت ها، احساس رحمت بیکران الهی است. انسان احساس می کند خداوند چه قدر او را دوست دارد، چرا این قدر هدیه برای او فرستاده است؛ خداوند بزرگ می فرماید: بندگان من، همه هستی را برای شما آفریدم «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، آیه ۲۹).

همه موجودات را برای بهره برداری شما و در خدمت شما قرار دادم.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْإِنهَارَ، وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (ابراهيم، آیات ۳۲ و ۳۳) خداوند همان کسی است که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه ها را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را مسخر شما نمود و خورشید و ماه را به تسخیر شما در آورد و شب و روز را مسخر شما ساخت.

اگر کسی چراغ قوه ای به شما هدیه دهد، چه عکس العملی نشان می دهید؟ نوبت بعد چراغ اتوماتیکی که نور و حرارت دهد، ارزانی دارد چه می کنید؟ نوبت سوم موتور برقی در اختیار شما قرار دهد، چه احساسی دارید؟ خداوند این خورشید و ماه، شب و روز، باد و باران، صحرا و... برای رفاه و خوشبختی ما فرستاده، بیاییم با شمارش این هدایا احساس خود را نشان دهیم و با هم فریاد بزنیم الحمدلله الحمدلله الحمدلله. پیامبر عزیز اسلام و امیرمومنان حتی در راه که می رفتند و به یاد نعمتی می افتادند، الحمدلله می گفتند و یا از مرکب پیاده می شدند و سجده شکر می کردند. آری یکی از ریشه های نماز این احساس است؛ این جا ایستگاهی است که باید درنگ کنیم انرژی بگیریم و حرکت کنیم وقتی به کثرت نعمت های خداوند فکر می کنیم، بیش تر احساس کوچکی و بندگی به ما دست

می دهد. اولیای خدا خود را عاجز از شکر خدا می دانستند. پیامبر بزرگ اسلام نشسته بود گریه می کرد، جبرئیل امین نازل شد و گفت: ای رسول رحمت، چرا این گونه اشک می ریزی فرمود: از بس نعمت های مولایم زیاد است، نمی توانم تشکر کنم. جبرئیل عرض کرد، خدایت می فرماید: من همین احساس را می خواهم، احساس بندگی، احساس کوچکی، احساس عجز. به قول سعدی:

بنده همان بد که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد

ورنه س_زاوارخ_داوندی_ش_ک_س_ن_تواند_ک_ه_ب_ه_ج_ا_آورد

آغاز گلستان سعدی فرازی است که با الهام از حدیث امام صادق (ع) به قلم آمده است. امام صادق (ع) فرمود: «فی کُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ (بحارالانوار، ج، ۶۸، ص، ۵۲)» در هر نفسی از نفس هایت نه تنها یک شکر، بلکه هزار شکر نهفته است. سعدی از این هزار شکر به دو شکر بسنده کرده است و می گوید: هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. حتی اگر از سعدی هم پیروی کنیم، در یک شبانه روز برای نفس ها باید حدود ۴۰۰۰۰ بار تشکر کنیم، فقط برای نفس ها، این گوهر گرانب هایی که اگر یکی از آن ها قطع شود هستی ما به مخاطره می افتد؛ آیا ما بندگان شاکر و سپاس گزاری هستیم؟ رسول خدا زیاد عبادت می کرد و خود را به مشقت می انداخت.

اصحاب می گفتند: چرا این قدر خودتان را به رنج می اندازید، می فرمود: «اَفَلَا اَكُونُ عَيْدًا شَكُورًا» آیا بنده سپاس گزار نباشم؟

بیایم همدیگر را به شمارش نعمت های خداوند تشویق کنیم. وقتی قرآن تلاوت می کنیم و به نام نعمت ها می رسیم درنگ کنیم؛ شکر کنیم و نام نعمت ها را در دفتری بنویسیم و گهگاه مرور کنیم.

خاطره

تابستانی در یکی از مساجد شرق تهران مسابقه ای اعلام شد تحت عنوان نعمت شماری. برگزارکنندگان این مسابقه توانستند با این ابتکار بیش از ۲۰۰۰۰۰ دانش آموز و دانشجو را در ایام فراغت تابستان به نعمت های خداوند مشغول کنند. عصرها وقتی از محل کار به خانه می آمدم جمعی از جوانان را می دیدم که بر سر راه من ایستاده و منتظر دیدار با من هستند. پس از سلام و علیک، یکی از بچه ها جلو آمده می گوید: حاج آقا من ۷۰۰ نعمت پیدا کرده ام صد تا هم شما بگو، بلکه یک قدم به برنده شدن نزدیک شوم. به راستی که این مسجد چه محشری به پا کرد. گوشه ای از طرح پیشنهادی خداوند به حضرت موسی را پیاده کرد. درست است که ابتدا به عشق جایزه بچه ها شروع به این کار کردند، اما بسیاری از آن ها در حین کار به جبهتی دیگر کشیده شدند و آن عشق به معبود بود. پیش خود می گفتند راستی خدا چه قدر ما را دوست دارد و راستی

ص: ۲۵

چه قدر ما بندگان بی معرفت و بی احساس و ناسپاسیم. بیایید به پا خیزیم و رسم سپاسگزاری را به جای آوریم.

پژوهش قرآنی

بسیاری به دنبال پژوهش های قرآنی هستند تا با کار جمعی میوه های شیرین معرفتی از باغستان قرآن بچینند. یکی از پیشنهادات من این است: به صورت یک کار گروهی تحت نظارت معلمان و مربیان کاردان، نعمت های قرآن را به تفکیک سوره ها و به تفکیک موضوع نعمت گردآوری کنید و نمایشگاهی از نعمت های خداوند در دانشگاه، دبیرستان و یا مدرسه خود برگزار کنید.

برای نمونه، اگر دانش آموزان مدرسه شما ۲۴۰ نفر هستند هر دو نفر یک حزب قرآن را که پنج صفحه از قرآن می شود، سهم بردارد و با مطالعه ترجمه و مشورت، نعمت های آن پنج صفحه را استخراج و در صفحه ای با خط زیبا بنویسد و داوران با داوری این پژوهش شیرین را رتبه بندی کنند و در مرحله بعد در به نمایش آوردن آن ها سلیقه به خرج داده نمایشگاهی زیبا و هنرمندانه از نام نعمت هایی که در قرآن ذکر شده را به تماشا بگذارید؛ حتی می توانید نام این هزار نعمت را در دفترهای کوچک خود بنویسد و گهگاهی لیست نعمت های خدا را بخوانید و سبک سنگین کنید. به نظر شما کدام مهم تر است قرآن می فرماید: اگر می خواهید قدر

نعمتی را بدانید، فرض کنید اگر آن نعمت نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به این آیات توجه کنید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْتَمْعُونَ (قصص، آیه ۷۱) (ای رسول) بگو به من خبر دهید اگر خداوند تمام اوقات را تا قیامت شب بگرداند و هیچ روز روشنی نباشد، کیست جز خدا که برای شما روشنی آورد؟ آیا سخنان خداوند را نمی شنوید؟

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِاللَّيْلِ تَسِيكُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (قصص، آیه ۷۲) بگو اگر خداوند تمام اوقات را تا روز قیامت روز کند و تا قیامت هیچ شب نباشد تا به استراحت مشغول شدید، کیست غیر از خداوند برای شما شب را بیاورد تا استراحت کنید. آیا نمی بینید؟

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَعِينٍ (ملک، آیه ۳۰) بگو به من خبر دهید، اگر چشمه های آب شما به زمین فرو رود و از آن آثاری باقی نماند، چه کسی برای شما آب گوارا می آورد؟

نعمت شماری در دعای عرفه

سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) که حماسه و عرفان را در هم آمیخت و الگوی خداپرستان شد در سرزمین عرفات نیایشی را زمزمه کرد که ارائه بندگی بی نظیر بود.

خداوند را شکر می کنیم که در کشور ما در سال های گذشته حال و هوای دعای عرفه جای جای جامعه را معطر کرده است و در دانشگاه ها، مساجد، مدارس و رسانه با امام حسین (ع) هم صدا شده، خدای یکتا را صدا می زنند.

یکی از فرازهای مهم این دعا، نعمت شماری است که جا دارد عاشقان آن حضرت با برنامه ریزی از یک ماه قبل، مسابقاتی را اعلان کنند و نصیب مردم را از دعای عرفه افزون کنند و براساس این دعا، مقاله بنویسید، نیايش نامه بنویسید و نعمت شماری کرده و سپاس گزاری کنند خدای منان را.

حیف است فرازهایی از این دعا زینت بخش این کتاب نشود با دقت و عشق بارها و بارها بخوانید.

بارالها، از نعمت های بی چون تو بود که خلقت هستی پس از نیستی به من عطا فرمودی. مرا از خاک آفریدی و سپس در منزل گاه صلب پدرانم قرار دادی. مراحل نخستین وجودم در عرصه طبیعت در امن و امان از حوادثی که مانع از ادامه وجودم بود، در مجرای تحولات روزگاران و گذشت سالیان سپری می گشت، همچنان این حرکت وجودی از اصلا ب پدران به ارحام مادران با پیش رفت ایام گذشته و قرون و اعصار از بین رفته ادامه پیدا کرد (تا چشم به دنیا گشودم).

مهربان خداوندا، در اعطای نعمت وجود، با لطف و احسانی که به من فرمودی، آغاز زندگی ام را در این طبیعت در زمان
ظلمانی

دولت حکمرانان کفر که پیمان تو را شکسته و رسولان تو را تکذیب کردند، قرار ندادی.

بلکه مرا در زمانی وارد زندگی در این دنیا نمودی تا توفیق آن هدایت را دریابم که در مشیت سابقه، تو برای من مقرر و مرا برای رسیدن به آن آماده فرمودی و در دوران نورانی اسلام پرورش دادی.

پاک پروردگارا! پیش از آن که چشم به این دنیا باز کنم، مرا به وسیله صنع زیبا و نعمت های فراوانت مورد محبت قرار دادی، ابتدای آفرینش مرا در مجرای طبیعت از قطرات منی ابداع فرمودی و در نهان گاه سه گانه گوشت و خون و پوست جنینی (برای مدتی محدود) ساکنم نمودی.

خداوندا، مرا به خلقتم گواه نگرفتی و در قراردادن در نظم سلسله وجودم اختیاری به من ندادی.

سپس ای آفریننده مهربان من، مرا از نهان خانه رحم مادر در جریان مشیت سابقه از هدایت به این دنیا آوردی با آفرینشی کامل و زیبا. آن گاه در گهواره با حفظ و حراست تو، دوران کودکی را سپری نمودم و از شیر گوارای مادرم غذا عنایتم کردی و از عواطف دل های پرستاران و دایه ها بهره ورم ساختی. مادران مهربان را برای کفالتم وادار نمودی و از آسیب اجنه و شیاطین محفوظم داشتی، و از هر گونه زیادی و نقص مصونم فرمودی.

رحمان و رحیما، در هر حال بلندترین مقام وجود آن توست.

تا آن گاه که زبان برای سخن گفتن آغاز کردم.

ای فیاض مطلق، نعمت‌ها و الطاف تو همچنان ادامه داشت تا خلقت اصلی ام تکمیل و نیروهای جسم و جانم اعتدال خود را یافت. از این هنگام بود که برای انتخاب راه زندگی با دلایل و حجت روشن گر، الزام فرمودی تا در کج راهه های هوی و هوس و نادانی های ظلمانی سردرگم نگردم و معرفت خود را به من الهام نمودی و با مشاهده حکمت های خویش مرا شگفت زده و مدهوشم فرمودی، و به احساس مخلوقات باعظمتی که در آسمان و زمین به وجود آوردی وادارم ساختی. با این آمادگی ها و توانایی ها که عقل از درکش عاجز و زبان از بیانش قاصر است به لزوم سپاس و ذکر مقام اقدس آگاهم فرمودی.

سپس ای یگانه خالق من، کفایت بر آن فرمودی که مرا از بهترین خاک آفریدی، بلکه در طول هستی من، نعمت‌ها انعام فرمودی و با منت بزرگ و بزرگ‌ترت و با احسان اعظم و قدیمت با بی نیازی مطلق خود، فوق سوجدجویی ها و معامله گری های نیازمندان از معیشت گونه گونه و اصناف و وسایل و ابزار زندگی در روی زمین برخوردارم ساختی، تا آن گاه که همه نعمت‌ها را برای من اتمام نموده و هرگونه ناگواری ها را از من برگردانیدی.

منزه پروردگارا، تویی به وجود آورنده کائنات و برگرداننده آن‌ها پس از برچیده شدن از عرصه هستی، ذات و صفات شایسته حمد و

ثنا و مجد و عظمت فوق تصور ما، نام هایت مقدس و نعمت هایت بزرگ.

حال، بارالها کدامین نعمت هایت را به شمارش و بیان آورم یا به سپاس گویی این عطاهاى تو برخیزم با این که آن نعمت ها و عطاها بیش از آن است که شمارندگان از عهده محاسبه آن برآیند و حافظان، توانایی علم به آن ها داشته باشند.

بارالها! وانگهی آن ضررها و زیان ها را که از من برگردانیدی، بیش از آن عافیت ها و نعمت هایی است که بر من عنایت فرمودی.

و ای خدای من، با حقیقت ایمانم گواهی می دهم و با عهد استوار و محکم و یقینی که دارم و با خلوص توحید صریحی که در دلم موجود است، و با اعماق پنهانی درونم و رشته های مجاری نور چشمم و خطوط نقش پیشانی ام و شکاف راه های تنفس و نرمه تیغه بینی ام و طُرُق امواج صداها به سماخ و استخوان گوشم و با آن چه که لب هایم آن را در هنگام روی هم نهاده شدن میان خود دارد و با حرکات لفظی زبانم و محل پیوست فک بالا و پایینم و رستنگاه دندان هایم و عامل چشیدن خوراکی ها و آشامیدنی هایم، با استخوان حافظ مغز سرم و لوله فرو دادن غذا و آشامیدنی، در درون حنجره گردنم، و با آن چه که در سینه ام در بر گرفته است، و حمایل بند رگ گردنم و آویزه پرده قلبم و با قطعه های اطراف جگرم و آن چه که خمیدگی دنده هایم در بر گرفته و گودی بندهای مفصل ها و قبض عوامل فعال بدنم و بند انگشتان و گوشت و خون

و مو و پوست و اعصاب و نی و استخوان ها و مغز و رگ ها و همه اعضايم و با آن چه که در دوران شیرخوارگی در بدنم بافته شده است و با آن چه که زمین از من بر خود حمل کرده است و با خواب و بیداری و سکون و حرکات رکوع و سجده ام.

آری ای خدای مهربانم، اگر با این همه نعمت های آشکار و نهان تو بخوام و بکوشم و در تمامی قرون و اعصار در آن ها زندگی نمایم و بخوام که شکر یکی از نعمت های تو را به جای آورم، ناتوان خواهم بود.

خداوندا اگر بنده تو درصدد برآید شکر یکی از نعمت های تو را به جای آورد، باز به برکت احسان ربّانی توست که خود شکر جدیدی را ایجاب می کند.

آری، ای خدای بی چون، اگر من و همه شمارندگان بخوایم نهایت نعمت های تو را در گذشته و حال و آینده ما بندگانت را در خود فرو برده شمارش کنیم، نه عدد آن را می توانیم و نه مدت آن را. هیئات چگونه می توانیم از عهده چنین کاری برآیم در صورتی که در کتاب گویای حَقّ قرآن و خبر راستینت فرمودی: و ان تعدّوا نعمه الله لا تحصوها، راست گفته است کتاب تو.

ای خدای بزرگ و راست است خبری که داده ای و به پیامبران و رسولانت آن را ابلاغ نموده ای. (۱)

ص: ۳۲

۱- ۱. ترجمه: از کتاب نیایش حسین (ع)، مرحوم علامه محمدتقی جعفری.

در بین هزاران نعمتی که خداوند به بندگانش ارزانی داشته بیش از ده نعمت است که با آهنگ خاص اذکروا نعمتی در قرآن مطرح شده این نعمتم را یاد کنید و به طور ویژه بندگان خدا موظف شده اند آن ها را یاد کنند و هرگز فراموش نکنند.

نکته مهم این است که با نگاهی به این نعمت ها می بینیم که غالب آن ها یا نعمت های معنوی هستند یا نعمت های اجتماعی معنای آن این است که ما نسبت به نعمت های معنوی و اجتماعی باید قدردانی بیشتری داشته باشیم و زیاد درباره اهمیت و آثار آن ها گفت و گو کنیم، فکر کنیم و از کوتاهی های خود عذر خواهی کنیم اینک این شما و این نعمت های ویژه خدای رحمن:

۱- نعمت کتاب آسمانی

وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِمَّا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (بقره، آیه ۲۳۱) و به یاد آرید نعمت خداوند را بر خود و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرد و شما را با آن پند می دهد و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به هر چیزی آگاه است.

بالاترین نعمتی که خداوند به بندگانش ارزانی داشته قرآن برنامه زندگی است که عامل سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت می شود که پیامبر اسلام به میراث گران بها و ثقل اکبر تعبیر فرمود

وظیفه مسلمانان یاد این نعمت و شکر این نعمت بزرگ است و بالاترین و بهترین شکر خواندن این کتاب، انس با این کتاب و عمل به فرامین و دستورات این کتاب است.

۲- نعمت نبوت و حکومت

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (مائده، آیه ۲۰) (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید هنگامی که قرار داد در میان شما پیامبرانی و گردنید شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نبخشیده بود.

۱- نعمت نجات از طاغوت

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ. (بقره، آیه ۴۹) (و به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید زمانی که شما را از (چنگال) فرعونیان رهایی بخشید. همان ها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند؛ پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند. در این جا آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود.

استاد عزیزم حاج آقا قرائتی می فرمودند: در ماه های اول پس از انقلاب به اهواز رفتم خدمت حضرت آیت الله شفیعی ایشان در دادگاه انقلاب تشریف داشتند از ایشان پرسیدم چه خبر؟ فرمودند تازه ترین خیر همین پرونده روی میز من است. گفتم اگر صلاح است آن را بفرمایید ایشان این گونه تعریف کردند:

پرونده مربوط به یکی از مستشاران آمریکایی است که در ماه های آخر حکومت پهلوی احساس خطر می کند و به شاه ایران اطلاع می دهد که تصمیم دارد ایران را ترک کند شاه ایران هم ابتدا عصبانی شده و برای دل داری او هدیه ای گران بها که گویا فرشی ابریشمی بوده به یکی از دست یارانش می دهد که به آبادان برو و در بدرقه او تقدیمش کن. مستشار آمریکایی به هنگام خداحافظی هدیه شاه را تحویل گرفته درمقابل جعبه ای به او می دهد که به شاه بدهد. پس از پرواز هواپیما در استانداری جلسه ای تشکیل می شود که آیا این جعبه را باز کنیم یا باز نکرده تقدیم شاه کنیم، تصمیم می گیرند جعبه را باز کنند. وقتی باز می کنند می بینند یک دستمال کاغذی است که این آمریکایی نجاست خود را در مستراح با آن پاک کرده است!!! ببینید ما مردمی بودیم که یک آمریکایی که سال ها خون این ملت را مکیده به خود اجازه می دهد به شخص اول مملکت این گونه توهین کند.

انقلاب شد چند صبحی گذشت در مهرماه ۵۹ شهید رجایی نخست وزیر ایران به سازمان ملل سفر کرد.

رئیس جمهور آمریکا از ایشان وقت ملاقات خواست و ایشان پاسخ دادند که باید از ملت اجازه بگیرم. به نظر شما این نعمت چه قدر ارزش دارد، به جای ذلت سروری، به جای توسری خوری آقایی، آیا این نعمت، با نعمت ماه و خورشید قابل مقایسه است؟!

۱- نعمت استقلال و خودکفایی

وَإِذْ كُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَضِيرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال، آیه ۲۶) و به یاد آرید هنگامی را که شما گروهی کوچک و اندک و زبون بودید آن چنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند ولی او شما را پناه داد و با یاری خود تقویت کرد و از روزی های پاکیزه بهره مند ساخت شاید شکر گزار باشید.

۲- نعمت کثرت جمعیت

وَإِذْ كُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (اعراف، آیه ۸۶) به یاد آرید که شما بسیار کم بودید و خداوند شما را افزونی داد و بنگرید سرانجام مفسدان را.

۳- نعمت وحدت، برادری و صمیمیت

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

(آل عمران، آیه ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و به یاد آرید نعمت خدا را بر خود که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید خدا شما را از آن نجات داد این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار ساخت شاید هدایت شوید.

۱- نعمت قطع کردن دست دشمن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْتَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (مائده، آیه ۱۱) ای کسانی که ایمان آوردید بیاد آرید نعمتی را که خداوند به شما بخشید آن زمان که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند اما خدا دست آن ها را از شما بازداشت پس از خدا پروا کنید و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

۲- نعمت فرستادن امدادهای غیبی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (احزاب، آیه ۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، بیاد آرید نعمت خدا را بر خود هنگامی که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آن ها را نمی دیدید و خداوند همیشه به آن چه انجام می دهید بیناست.

این آیه مربوط به جنگ احزاب است جنگی که همه قوای ضد اسلام متفق شدند، مشرکان، یهود و منافقان، مسلمانان را در مدینه محاصره کردند؛ مسلمین نیز دور مدینه خندق کردند و با تکیه بر ایمان خود ایستادند و به مدد الهی و امدادهای غیبی سرنوشت جنگ به نفع مسلمین رقم خورد خداوند باد و طوفان را به کمک مسلمانان فرستاد و مشرکان شبانه منطقه را ترک کردند.

۹- پیمان مسلمانی

چندین بار مسلمانان با پیامبر اسلام بیعت کردند و پیمان بستند که به آیین مسلمانی وفادار بمانند و از فرامین الهی اطاعت کنند هم در مکه هم در مدینه آیه ۷ سوره مائده یادآوری این نعمت بزرگ را لازم می شمارد.

وَإِذْ كُتِبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا (بقره، آیه ۲۸۵) و به یاد آرید نعمت خدا را بر شما و پیمانی را که با تاکید از شما گرفت آن زمان که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم.

۱۰- نعمت رهبری

در چند جای قرآن نعمت رهبری کامل کننده و تمام کننده نعمت ها شمرده شده است از جمله در آیه ۳ سوره مائده که درباره رهبری امام علی (ع) و جانشینی آن حضرت است که به فرمان خداوند و توسط پیامبر بزرگ اسلام در روز غدیر خم در سال آخر عمر پیامبر صورت گرفت و پس از این معرفی آیه نازل شد:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. (مائده، آیه ۳) امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) برای شما پسندیدم.

آری در شمارش نعمت ها باید نگاهی ویژه به نعمت های بزرگ پروردگار داشته باشیم تا خداوند نعمت هایش را افزون کند و گرنه کفر نعمت باعث از دست رفتن نعمت ها خواهد شد.

در تفسیر آیه آخر سوره تکاثر «تُعَمُّ كَثِيرًا لَّيْلًا لَّنْ يُؤْمِنُ عَنِ النَّعِيمِ»، در روز قیامت حتماً از نعمت ها سؤال خواهیم شد. امام صادق(ع) فرمود: منظور از نعمت در این آیه ما اهل بیت هستیم که خداوند به بندگانش ارزانی داشته و دل های آن ها را به هم پیوند داده است.^(۱)

سوره های نعمت شماری

گرچه در اکثر سوره های قرآن نام نعمت های زیادی آمده، اما به نسبت در سوره های انعام، الرحمن، نمل و روم نعمت های بیش تری ذکر شده است شایسته است که مشتاقان به آیات نورانی این چهار سوره مراجعه نمایند. نکته دیگر این که، در قرآن کریم سوره های حمد، انعام، کهف، سباء، فاطر، تغابن با حمد خدا شروع می شوند.

ص: ۳۹

۱- [۱]. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۷.

توحید مفضل منبع دیگری است که ما را با نعمت های خداوند آشنا می کند امام صادق در چهار نشست در چهار روز، نشانه ها و نعمت های خداوند را برای شاگردش مفضل بیان فرمود: روز اول شگفتی های آفرینش انسان، روز دوم شگفتی های آفرینش حیوانات روز سوم شگفتی های طبیعت و روز چهارم درباره اسرار و حکمت های مصائب و حوادث.

هدف را فراموش نکنیم

آهنگ نعمت شماری باید ما را به خدا و عبادت و نیایش سوق دهد آن هم نمازی عارفانه، عاشقانه، خاضعانه اگر نتیجه حرکت ها در نعمت شماری شوق بیش تر به نماز و بندگی بود، معلوم می شود که راه را درست آمده ایم.

در احادیث می خوانیم که یکی از ریشه های نماز احساس ستایش گری یا مدح و ستایش خداوند است تمجید و ثنا و مدح خداوند را بهترین نوع عبادت دانسته اند. در احادیث می خوانیم که نماز خود را با ثنای الهی آغاز کنید وقتی وارد مسجد می شوید خدا را ستایش کنید. در فصل های مختلف حج خدا را تمجید کنید و مدح و ثنا گوید (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۸۱) قبل از دعا و درخواست حاجت خدا را ستایش کنید.

تبیین احساس ستایش گری

ما انسان ها وقتی در برابر عظمت و زیبایی قرار می گیریم این پیام ها را دریافت می کنیم.

اول این که: از عظمت و زیبایی لذت می بریم؛ بزرگی و زیبایی ما را به سوی خود جذب می کند. ما صدای زیبا، کلام زیبا، طرح زیبا، نقش زیبا، شعر نیکو، نثر مناسب، رخسار زیبا، لباس زیبا را دوست

داریم، همچنین یزرگی را. بنای رفیع، کوه بلند، کشتی بزرگ، هواپیمای بزرگ ما را به ستایش وامی دارد.

دوم این که: وقتی با عظمت و زیبایی روبه رو می شویم آن را می ستاییم. هرکس با ادبیات خود آن بزرگی و زیبایی را تمجید و تعریف می کند. معمول است که در موزه ها و نگارستان ها دفتری در جایی مناسب قرار می دهند که بازدیدکنندگان نظر خود را بنویسند. جنس آن نظر غالباً ستایش است، همه به چیره دستی و توانایی و ظرافت دست نقاش و خوشنویس و معمار احسنت می گویند و اگر کسی از کنار بزرگی و زیبایی بی تفاوت بگذرد، همه او را سرزنش می کنند و می گویند: چه قدر بی احساسی مگر انسان نیستی؟

سوم این که: دوست داریم خود را به آفریننده زیبایی و بزرگی نزدیک کنیم. اگر ممکن باشد با او طرح رفاقت بریزیم، در کنار او عکس بگیریم و به این دوستی و رفاقت مباحثات کرده و به دیگران اعلام کنیم که این منم که در کنار فلان استاد یا نقاش چیره دست ایستاده ام.

چهارم این که: دوست دارم خودم آفریننده اثری زیبا و بزرگ باشم و نامم ماندگار شود. جای دارد در اینجا این حدیث قدسی ذکر شود که خداوند فرمود: ای فرزند آدم، من زنده ای هستم که نمی میرم، تو هم از من اطاعت کن تا تو را زنده ای جاوید قرار دهم. ای فرزند

آدم، من وقتی به چیزی می گویم باش، هست می شود. تو هم از من اطاعت کن تا به این مقام برسی. (۱)

از این حدیث شریف فهمیده می شود که سرچشمه بزرگی ها و زیبایی ها خداست و هرکس طالب بزرگی و زیبایی است، راهش بندگی خداست.

خاطره

ماه رمضان سال ۱۳۷۰ در خدمت استادم حاج آقا قرائتی سفری یک ماهه به چهار کشور اروپایی داشتم. اتریش، سوئد، آلمان و فرانسه، هر کشور یک هفته. شب های قدر در شهر پاریس بودیم. یک شب که از مراسم برمی گشتیم، مردم در کنار خیابانی در صفی طولانی ایستاده بودند؛ حاج آقا پرسید این جا هم صف است؟ گفتند: این صف موزه لور است. از بزرگ ترین موزه های دنیاست. فردای آن روز از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران، بلیط تهیه شد و یکی از اساتید ایرانی دانشگاه سوربن، متخصص همان رشته، همراه ما شد تا راهنمایی کند. او می گفت که حداقل هشت ساعت باید وقت بگذارید. حاج آقا گفتند من کمر درد دارم، دو ساعت بیش تر طاقت ندارم، سالن های مهم تر را انتخاب می کنیم. راهنما اول ما را برد به سالن هایی که تمام اشیائش در دهه های گذشته، از ایران به سرقت رفته بود. تا این که وارد سالنی شدیم بسیار شلوغ. حاج آقا پرسید

ص: ۴۳

این جا چه خبر است؟ استاد گفت: در این جا تابلوی نقاشی مهمی به نمایش گذاشته شده تابلوی نقاشی لبخند ژکوند. حاج آقا گفتند من از نقاشی سررشته ای ندارم به سالنی دیگر برویم. استاد گفت: حاج آقا آن قدر این تابلو مهم است که از اقصی نقاط دنیا برای دیدن آن به این جا می آیند و اهالی آمریکا تقاضا کرده اند اگر با زیردریایی برای مدت یک ماه به آمریکا برده شود، حاضرند هزینه بلیط آن را بپذیرند. حاج آقا گفتند: حال که چنین است برویم ببینیم قصه چیست؟ نزدیک تابلو رسیدیم و استاد راهنما شروع کرد به توضیح دادن که نقاش کیست؟ چند سال قبل این اثر را خلق کرده و اهمیت تابلو در چیست؟ چند دقیقه ای نگذشته بود که احساس کردم حاج آقا در کنار ما نیست. نگران شدم تا این که حاج آقا را دیدم گوشه سالن ناراحت نشسته؛ خدمت ایشان رسیده و پرسیدم کمرتان درد گرفته؟ گفتند نه. کسی چیزی گفته؟ گفتند نه. پرسیدم پس چرا ناراحتید؟ ایشان گفتند: نقاشی در چندصد سال قبل این تابلو را کشیده الان از تمام دنیا به دیدنش می آیند. به نظر تو، نقاش مهم تر است یا نقاشی؟ گفتم: نقاش. ایشان گفت چرا مردم از آفریننده نقاشی که نقاش باشد ستایش و تعریف و تمجید می کنند، اما نسبت به آفریننده نقاش که خداست بی تفاوت شده اند. این انسان ها کجای مسیر تربیت را اشتباه آمده اند که وقتی عکس طاووس را می بینند تمجید می کنند، اما وقتی خود طاووس را می بینند چشم و لب فرومی بندند. عکس گیلان را می بینند مدح

می کنند و از نقاش تقدیر می کنند، اما خود گیلاس را می بینند و سکوت می کنند این غصه من است. قرآن می فرماید: «قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ» (مائده، آیه ۱۷) مرگ بر انسان چه قدر ناسپاس است، چه قدر حق را می پوشاند.

شیوه پیشنهادی

ما می توانیم با شمارش زیبایی ها و عظمت های خلقت خداوند، احساس ستایش گری از خداوند را پرورش دهیم. در فرهنگ قرآن همه موجودات، آیه ها و نشانه های خدا هستند و اگر نگاه توحیدی داشته باشیم می توانیم از نشان به سوی صاحب نشان حرکت کنیم.

دنیای ستاره ها، دنیای گل ها و میوه ها، دنیای پروانه ها و پرنده ها، دنیای ماهی ها، دنیای سنگ ها و... قرآن می فرماید: نشانه های خدا و کلمات خدا آن قدر زیادند که اگر همه درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرکب گردد و هفت دریاچه به آن افزوده شود، این ها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی پذیرند. خداوند عزیز و حکیم است «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان، آیه ۲۷).

اگر در قرآن کریم کلمه آیه را پیگیری کنیم، زیبایی ها و عظمت های خلقت را می بینیم و اگر نگاه ما نگاه عالمانه باشد، خدا را در آیینه آیاتش می بینیم. چه قدر خوب است که موضوع آشنایی با زیبایی های خلقت الهی به راه افتد تا در نهایت لب به ستایش

ص: ۴۵

بگشایند و چه ستایشی بهتر از نماز؛ ستایشی که خالق آن را می پسندد. با قلبی پاک در پیش گاه خدای بزرگ به سوی کعبه بایستیم و ستایش خدا را قصد کنیم و با الله اکبر وارد حرم خدا شویم، آن گاه اولین سوره کتابش را بخوانیم، سپس سوره ای انتخابی و پس از آن رکوع و سجده و قنوت و... این سبکی است که خالق زیبایی ها برای ما می پسندد و رشد و سعادت ما را در سایه این عبادت می داند.

نمونه هایی از آیات الهی در آینه قرآن

۱- آفرینش انسان از خاک

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (روم، آیه ۲۰). و از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بشری شدید و در روی زمین گسترش یافتید.

۲- آفرینش همسر

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم، آیه ۲۱) و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان، آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این امور نشانه هایی است برای گروه هایی که تفکر می کنند.

۳- آفرینش آسمان و زمین، تنوع زبان ها و شکل ها

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ لِلْعَالَمِينَ (روم، آیه ۲۲) و از آیات او آفرینش آسمان و زمین

و تفاوت زبان ها و رنگ های شماست؛ در این امور نشانه هایی است برای دانشمندان.

۱- خواب شب، کار روز

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (روم، آیه ۲۳) و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره مند شدن از فضل پروردگار و تامین معاش؛ در این امور، نشانه هایی است برای آنان، که گوش شنوا دارند.

۲- رعد و برق، بارش باران، رویش گیاهان

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعِيدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (روم، آیه ۲۴) و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می دادند، که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه ها و امید به نزول باران)، و از آسمان آب ها فرو می نشاند، که زمین را بعد از مردنش به وسیله آن زنده می کند! در این امور نشانه هایی است برای اهل خرد.

۳- استقرار آسمان و زمین

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ (روم، آیه ۲۵) و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست.

۱- وزش بادها، حرکت کشتی ها

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُوسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُوكَ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (روم، آیه ۴۶) و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را به عنوان بشارت دهنده می فرست تا شما را از رحمتش بچشانند و کشتی ها بفرمائش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید، گیرید؛ شاید شکر کنید.

۲- شب و روز، خورشید و ماه

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَالْقَمَرِ لَئِنْ سَجَدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (فصلت، آیه ۳۷) و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آن هاست. سجده کنید اگر می ترسید، او را بپرستید!

۳- فصل بهار

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنْ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (فصلت، آیه ۳۹) و از آیات او این است که زمین را خشک می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن می شود، به جنبش درمی آید و نمو می کند! همانند کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می کرد. او بر هر چیز تواناست!

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (رعد، آیه ۴) و در روی زمینه قطعه هایی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخل ها، (و درختان می گیرد)، گوناگون (که گاه بر یک پایه می دهیم. و گاه بر دو پایه) (و عجیبی آنان همواره) آن ها! از یک آب سیطره می شد! و با این حال، بعضی از آن ها! را از جهت می گیرد، بر دیگری برتری می دانستند... در این چنین نشانه هایی) است برای گروه هایی که عقل خویش را به کار می گزند!

خاطره

حدود ده سال قبل مسافرتی داشتم به شهرستان داراب در استان فارس. همه شهر رنگ نماز به خود گرفته بود و همایش های متعدد برای نماز برگزار بود. آخرین سخنرانی من در دبیرستانی دخترانه بود. مراسم که تمام شد راهی شیراز شدم، مدیر دبیرستان از من خواست که از نمایشگاه عکسی که برگزار شده دیدن کنم. من گفتم موضوع نمایشگاه نماز است؟ گفت: نه؛ ولی دوست دارم شما که تا این جا آمده ای گزارش این نمایشگاه را به وزارتخانه برسانی. من گفتم: چون به موضوع ماموریت من مربوط نیست و چون ممکن است دیر برسم پوزش می خواهم او اصرار کرد و با اصرار مرا

به سمت سالن نمایشگاه برد در راه توضیح داد که برای دانش آموزان اعلام شده هرکس با دوربین عکاسی شخصی خودش با هر موضوعی که می خواهد یک عکس بگیرد و عکس خود را زیرنویسی کند بیش از ۲۰۰ نفر از دانش آموزان در این مسابقه شرکت کرده اند و آثار در این سالن به نمایش گذاشته شده است.

وارد سالن شدیم. به عکس دهم که رسیدیم مدیر دبیرستان دید من گریه می کنم. با تعجب پرسید: حاج آقا کجای این عکس ها گریه دارد. من گفتم حاج خانم، این نمایشگاه عکس نیست این نمایشگاه نماز است چطور متوجه نیستید. شما ناخودآگاه یک فعالیت ریشه ای نمازی انجام داده اید، قصه از این قرار بود که شاید تمام دانش آموزان عکس هایی که گرفته بودند از طبیعت بود و جملاتی که نوشته بودند درباره ستایش خدا بود. یعنی دقیقاً همین پیشنهادی که در این فصل ارائه شد. پرورش احساس ستایش گری؛ این برنامه پرورشی به طور خودجوش این احساس فطری را تحریک کرده بود و بچه ها با عکس های خود، احساس خود را نشان داده بودند. یکی از یک گل عکس گرفته بود، یکی از صخره یا کوه و یکی هم از بزغاله.

یکی از جوجه ای که سر از تخم در ما می آورد و یکی هم از لحظه غروب آفتاب و ...

خاطره ای دیگر

از سر کار به منزل می رفتم؛ وارد خانه شدم. دختر کوچکم زینب دوید به سویم؛ گفت بابا نمی دونی امروز خانم معلم چه کار کرد. امروز وقتی سر کلاس آمد، به تعداد شاگردان انار دون کرده آورده بود به هر دانش آموزی یک پاکت انار داد. انار خوشگلی هم روی میز گذاشت آن گاه گفت بچه ها شروع کنید به انار خوردن. ما انار خوردیم و انار دیدیم، خانم معلم هم شعر انار خواند:

صد دانه یاقوت دسته به دسته با نظم و ترتیب یکجا نشسته

هر دانه ای هست خوش رنگ و رخشان قل ب سفی دی در سینۀ آن

یاقوت ها را پچی ده با هم در پوش شی نرم پ رورد گارم

من می گویم، این کار شیوه دعوت به نماز است. یک کار پرورشی، پرورش یکی از ریشه های فطری نماز در کار این معلم نهفته است. این نماز گزار به راحتی از نماز دست بر نمی دارد.

خاطره ای دیگر

به اتفاق خانواده از تهران عازم مشهد شدیم در راه با دو کار نمازی برخورد کردم؛ یکی کنار دریا دیدم دانش آموزانی کاغذ و قلم به دست گرفته و طلوع خورشید را توصیف می کنند، شاید خود مربی هم نمی دانست که دست به کاری درباره نماز زده است. بچه ها به مشرق نگاه می کردند و ستایش خدا را می نوشتند.

چند ساعت بعد به جنگل های گلستان رسیدیم، تعدادی دانش آموز را در حال فعالیتی دیدم، توقف کرده به سراغشان رفتم، مربی به آن ها گفته بود از برگ درختان شکلی بسازید و زیر آن جمله ای بنویسید؛ جایتان خالی بود که چه منظره های زیبایی خلق کرده بودند و چه جمله های زیبایی در ستایش خدا نوشته بودند. این ها همه شیوه های دعوت به نماز است، پرورش احساس ستایش گری.

پیامبر و تماشای ستاره ها

امام صادق(ع) فرمود: سیره رسول خدا(ص) چنین بود که به هنگام خواب ظرف آب وضو و مسواکش را کنار خود می گذاشت مقداری که استراحت می کرد از خواب بر می خاست به حیاط منزل می آمد و به ستاره ها نگاه می کرد و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره آل عمران را تلاوت می کرد. آن گاه مسواک می زد و وضو می گرفت و چهار رکعت نماز شب می خواند و به بستر می رفت. کمی که می خوابید، مجدداً از خواب بر می خاست و به حیاط منزل می آمد و به ستاره ها نگاه می کرد و همین پنج آیه را می خواند، مسواک می کرد و وضو می گرفت و چهار رکعت دیگر از نماز شب را می خواند و به بستر استراحت می رفت برای سومین بار از خواب بر می خاست و به حیاط منزل می آمد و به آسمان می نگریست و این آیات را تلاوت می کرد. مسواک می کرد و وضو می گرفت و به نماز می ایستاد و

سه رکعت نماز شب را می خواند و راهی مسجد می شد. (۱) آری این آیاتی است که هر شب آن هم سه بار پیامبر عزیز ما می خوانده و با خدا عشق بازی می کرده است. با هم به این تابلو آسمانی نگاه کنیم:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (آل عمران، آیه ۱۹۰) حقیقت این است که در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان.

خردمندان چه کسانی هستند؟

الَّذِينَ يَذُكُرُونَ اللَّهَ قِياماً وَقُعُوداً وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ (آل عمران، آیه ۱۹۱) آنان که خدا را یاد می کنند در حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده. «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و می اندیشند در آفرینش آسمان ها و زمین.

و نتیجه این ذکر و این فکر این می شود که می گویند:

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا باطِلاً سُبْحانَكَ فَقِنَا عَذابَ النَّارِ (آل عمران، آیه ۱۹۱) پروردگارا این جهان را بیهوده نیافریدی منزهی تو، ما را از عذاب آتش برهان.

رَبَّنَا إِنَّكَ مَعِنَ إِذْ نُدْخِلُ النَّارَ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ أَنْصَارٍ (آل عمران، آیه ۱۹۲) پروردگارا هر که را که تو به خاطر اعمالش به آتش افکنی، او را رسوا ساخته ای و برای ستم گران یار و یابوری نیست.

ص: ۵۳

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (آل عمران، آیه ۱۹۳) پروردگارا ما صدای منادی تو را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را ببخش و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.

رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل عمران، آیه ۱۹۴) پروردگارا آن چه را به وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی به ما عطا کن و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو هیچ گاه از وعده خود تخلف نمی کنی.

فَاسْتَجِبْ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلٍ مُّنتَكِمٍ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُودُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَمَّا كَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَمَّا دَخَلْتَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (آل عمران، آیه ۱۹۵)

خداوند درخواست آن ها را پذیرفت (و فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد. شما ممنوعید از جنس یکدیگر. آن ها که در راه خدا هجرت کرده اند و از خانه های خود بیرون رانده شدند، در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند به یقین گناهانشان را می بخشم و آن ها را در باغ های بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری است وارد می کنم.

این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش ها نزد پروردگار است.

آری این ستایش نامه هر شب پیامبر است. پیامبری که در مناجات خود با خدا و در حین تلاوت این آیات آن قدر اشک می ریخت که جلو لباسش از اشک چشمش تر می شد، سپس سر به سجده می گذاشت و چندان می گریست که زمین از اشک چشمش تر می شد و هنگامی که بلال می پرسید: شما که مشمول لطف خدا هستید، چرا این گونه گریه می کنید؟ می فرمود: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» آیا بنده شکرگزار نباشم؟ در پایان می فرمود: وای بر حال کسانی که این آیات را بخوانند و در آن نیندیشند!

زمامداران مسلمان، نیایش گران عاشق

حَبَّه عَزْنِي از یاران امام علی(ع) است او می گوید من و نوف بکالی و یکی دیگر از یاران امیرالمؤمنین(ع)، شبی در صحن استانداری ماندیم و خوابیدیم ناگهان در اواخر شب امیرالمؤمنین(ع) را دیدیم که مانند شخص واله و شیدا، دست خویش را به دیوار گذاشته و آیات آخر سوره آل عمران (۱۹۰ تا ۱۹۵) را می خواند و به سان شخص عقل پریده راه می رود تا این که امام به من رسید و فرمود: حبه، خوابی یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم، شما که چنین می کنید پس ما چگونه باشیم؟ چشمان حضرت پر از اشک شد؛ آن گاه فرمود: ای حبه، خداوند را مقامی است و ما را در پیشگاه او جایگاهی و

هیچ کدام از اعمال ما بر او پوشیده نیست. ای حبه، خداوند نسبت به تو و من از رشته گردن نزدیک تر است. ای حبه، هیچ چیز نمی تواند من و تو را از دید خداوند پنهان کند. سپس فرمود: ای نوف، آیا خوابیده ای؟ نوف عرض کرد: خیر ای امیرالمؤمنین، امشب بسیار گریستم. امام(ع) فرمود: ای نوف، اگر در این شب از خوف خدا گریستی، فردای قیامت در پیشگاه خداوند چشمانت روشن خواهد شد. ای نوف، هیچ قطره ای از چشم انسان به خاطر ترس از عظمت خدا به زمین نمی ریزد مگر این که دریاهاى آتش جهنم را خاموش می سازد.

ای نوف، هیچ کس مقام و منزلتش والاتر از کسی نیست که از ترس عظمت خدا بگرید و در راه خشنودی خدا دوست بدارد و دشمن بدارد.

آن گاه امام دو یارش را پند داد و درحالی که مناجاتی را زمزمه می کرد، از آن ها دور شد. نوف می گوید امام را دیدم به گوشه ای رفت و محاسنش را روی دست گرفته و بسان شخص مصیبت زده می گریست.(۱)

طاووس، نشانه ای از نشانه های خدا

امیرالمؤمنین(ع)، در خطبه ۶۵ نهج البلاغه، شگفتی های خلقت طاووس را بیان فرموده است که نظر شما را به آن جلب می نمایم. این خطبه سندی والا برای پرورش احساس ستایش گری است:

ص: ۵۶

و از شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش، طاووس است، که آن را در استوارترین شکل موزون بیافرید، و رنگ‌های پر و بالش را به نیکوترین رنگ‌ها بیاراست، با بال‌های زیبا که پرهای آن به روی یک‌دیگر انباشته و دم کشیده‌اش که چون به سوی ماده پیش می‌رود آن را چونان چتری گشوده و بر سر خود سایبان می‌سازد، گویا بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است.

طاووس به رنگ‌های زیبای خود می‌نازد، و خوشحال و خرامان دم‌زیبایش را به این سو و آن سو می‌چرخاند و سوی ماده می‌تازد، چون خروس می‌پرد، و چون حیوان نر، مست شهوت با جفت خویش می‌آمیزد، این حقیقت را از روی مشاهده می‌گوییم، نه چون کسی که بر اساس نقل ضعیفی سخن بگوید. اگر کسی خیال کند، باردار شدن طاووس به وسیله قطرات اشکی است که در اطراف چشم نر حلقه زده و طاووس ماده آن را می‌نوشد، آن گاه بدون آمیزش با همین اشک‌ها تخم‌گذاری می‌کند، افسانه بی‌اساسی است. ولی شگفت‌تر از آن نیست که می‌گویند: «زاغ نر طعمه به منقار ماده می‌گذارد که همین عامل باردار شدن زاغ است!» گویا نی‌های پر طاووس چونان شانه‌هایی است که از نقره ساخته، و گردی‌های شگفت‌انگیز آفتاب‌گونه که به پرهای اوست، از زرناب و پاره‌های زبرجد بافته شده است. اگر رنگ‌های پرهای طاووس را به رویدنی‌های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: دسته‌گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم آمده است، و اگر آن را

با پارچه های پوشیدنی همانند سازی، پس چون پارچه های زیبای پرنقش و نگار یا پرده های رنگارنگ یمن است، و اگر آن را با زیورآلات مقایسه کنی چون نگین های رنگارنگی است که در نواری از نقره با جواهرات زینت شده است.

روان شناسی حیوانی طاووس

طاووس، چون به خود بالنده و مغرور راه می رود، دم و بال های زیبایش را برانداز می کند، پس با توجه به زیبایی جامه و رنگ های گوناگون پر و بالش قهقهه سر می دهد، اما چون نگاهش به پاهای او می افتد، بانگی برآورد که گویا گریان است، فریاد می زند گویا که دادخواه است، و گواه صادق دردی است که در درون دارد، زیرا پاهای طاووس چونان ساق خروس دو رگه (هندی و پارسی) باریک و زشت و در یک سو ساق پایش ناخنکی مخفی روئیده است.

شگفتی رنگ آمیزی پرهای طاووس

بر فراز گردن طاووس به جای یال، کاکلی سبزرنگ و پرنقش و نگار روئیده، و برآمدگی گردنش چونان آفتابه ای نفیس و نگارین است، و از گلوگاه تا روی شکمش به زیبایی و سسمه یمانی رنگ آمیزی شده، یا چون پارچه حریر براق یا آینه ای شفاف که پرده بر روی آن افکندند. در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده که چون رنگ آن شاداب و بسیار می باشد، پنداری با رنگ سبز تندی در هم

آمیخته است که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد. کم تر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد، یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه اش آن را جلای برتری نداده باشد. طاووس چونان شکوفه های پراکنده ای است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندانی نیست، و شکفت آور آن که هر چند گاهی از پوشش پره های زیبا بیرون می آید، و تن عریان می کند، پره های او پیاپی فرو می ریزند و از نو می رویند، پره های طاووس چونان برگ خزان رسیده می ریزند و دوباره رشد می کنند و به هم می پیوندند، تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را باز می یابد، بی آن که میان پره های نو و ریخته شده تفاوتی وجود داشته باشد یا رنگی جابه جا بروید، اگر در تماشای یکی از پره های طاووس دقت کنی، لحظه ای به سرخی گل، و لحظه ای دیگر به سبزی زبرجد، و گاه به زردی زرناب جلوه می کند.

راستی، هوش های ژرف اندیش و عقل های پرتلاش چگونه این همه از حقایق موجود در پدیده ها را می تواند درک کند؟ و چگونه گفتار توصیف گران، به نظم کشیدن این همه زیبایی را بیان توانند کرد؟ و در درک کم ترین اندام طاووس، گمان ها از شناخت درمانده و زبان ها از ستودن آن در کام مانده اند. پس ستایش خداوندی را سزاست که عقل ها را از توصیف پدیده هایی که برابر دیدگان جلوه گرند ناتوان ساخت، پدیده محدودی که او را با ترکیب پیکری پرنقش و نگار، با رنگ و مرزهای مشخص می شناسد، باز هم از

تعریف فشرده اش زبان ها عاجز و از وصف واقعی آن درمانده اند! حال چگونه خدا را می توانند درک کنند؟

شگفتی های آفرینش خفاش

امام علی(ع) در خطبه ۱۵۵ نهج البلاغه، به بیان شگفتی های خلقت خفاش می پردازد:

از زیبایی های صنعت پروردگاری، و شگفتی های آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفاشان است، روشنی روز که همه چیز را می گشاید چشمانشان را می بندد، و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می برد، چشمان آن ها را باز می کند، چگونه چشمان خفاش کم بین است که نتواند از نور آفتاب درخشنده روشنی گیرد؟ نوری که با آن راه های زندگی خود را بیابد، و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می خواهد، روشنی آفتاب خفاش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده اش باز می دارد، و در خلوتگاه های تاریک پنهان می سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است.

پس خفاش در روز پلک ها را بر سیاهی دیده ها اندازد، و شب را چونان چراغی برمی گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جست و جو می کند، و سیاهی شب دیده های او را نمی بندد، و به خاطر تاریکی زیاد، از حرکت و تلاش باز نمی ماند. آن گاه که خورشید پرده از رخ بیافکند، و سپیده صبح گاهان بدمد، و لانه تنگ

ص: ۶۰

سوسمارها از روشنی آن روشن گردد، شب پره ها، پلک ها را بر هم نهد، و بر آن چه در تاریکی شب به دست آورده قناعت کند. پاک و منزه است خدایی که شب را برای خفاشان چونان روز روشن و مایه به دست آوردن روزی قرار داد، و روز را چونان شب تار، مایه آرامش و استراحت آن ها انتخاب فرمود، و بال هایی از گوشت برای پرواز آن ها آفرید، تا به هنگام نیاز به پرواز، از آن استفاده کنند، این بال ها، چونان لاله های گوشند، بی پر و رگ های اصلی، اما جای رگ و نشانه های آن را به خوبی مشاهده خواهی کرد. برای شب پره ها دو بال قرار داد، نه آن قدر نازک که در هم بشکند، نه چندان محکم که سنگینی کند، پرواز می کنند درحالی که فرزندان شان به آن ها چسبیده و به مادر پناه برده اند، اگر فرود آیند با مادر فرود می آیند، و اگر بالا روند با مادر اوج می گیرند، از مادرانشان جدا نمی شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند و بال ها قدرت پرواز کردن پیدا کند، و بدانند که راه زندگی کردن کدام است؟ و مصالح خویش را بشناسد. پس پاک و منزه است پدیدآورنده هر چیزی که بدون هیچ الگویی باقی مانده از دیگری، همه چیز را آفرید.

انسان برترین و پیچیده ترین مخلوق هستی است و جهان و امکاناتش در اختیار او؛ اما این موجود برتر در حرکت خود به سوی کمال با نیازها و احتیاجات محاصره شده است. آیا این نیازها را با که در میان بگذارند؟ از که طلب کند؟ دیگران نیز هم چون او نیازمندند و کاری از دستشان ساخته نیست. در فطرت او روزنه امیدی است که او را به سرچشمه بی نیازی می کشاند و او خدای مهربان است عزیزترین بندگان خدا پیامبران و اولیاء هستند که وقتی قصه آنان را در قرآن می خوانیم هر جا که نیازمند می شوند، دست نیاز خود را به سوی خدای خود بلند می کردند و با امید به استجابت نیاز خود را با او در میان می گذاشتند.

واژه صلاه به معنای نیایش و دعاست براساس آیات قرآن، نماز در تمام ادیان وجود داشته و جوهره نماز، نیازخواهی و نیایش گری با خدایی است که انسان را دوست دارد و به او مهر می ورزد. وقتی انسان با نیازی روبه رو می شود که توان رفع نیاز خود را ندارد، این پیام ها را دریافت می کند:

۱- در جست وجوی کسی است که نیاز او را بشناسد و قدرت رفع نیاز او را داشته باشد.

۲- در جست وجوی کسی است که بر او منت نگذارد و او را دوست بدارد.

۳- در جست وجوی کسی است که در برابر این رفع نیاز طلب کاری نکند.

۴- وقتی چنین کسی را پیدا کرد، دوست دارد نیازش را به زبان جاری کند.

۵- و آن گاه که نیازش برطرف شد، دوست دارد در برابر او اعلام کوچکی کند.

برای پرورش این احساس می توانیم:

با آشنایی با نیایش های انسان های بزرگ این احساس را در خود پرورش دهیم، به دنیای روحی پیامبران و اولیاء وارد شویم و دعاهای آنان را مرور کنیم، در این صورت حس حقیقی در ما تقویت می شود ابتدا به سراغ قرآن و آن گاه به تماشای اولیاء و ائمه می رویم و این الگوهای نیایش گری را درس زندگی قرار می دهیم.

ص: ۶۴

در قرآن کریم حدود ۱۶۰ دعا و نیایش وارد شده که بدون توضیح و تفسیر فقط در حد ترجمه در اختیار شما خوانندگان این کتاب قرار می گیرد؛ اما این میدان، میدان بزرگ مسابقه است. جا دارد در مجامع فرهنگی، این آیات به مسابقه گذاشته شود و مردم خوب ما این آیات را در جای جای زندگی خود هر صبح و شام زمزمه کنند و درباره تفسیر این آیات مطالعه کنند تا به عمق نیازهای خود پی ببرند چه زیباست اگر کلاس های دانشگاه ما و مجامع قرآنی ما سرشار از این مفاهیم باشد و مطمئن باشیم که این ها ریشه های فطری نماز است و هر چه این ریشه ها تقویت شود، کیفیت نمازهای مردم ما الهی تر، معنوی تر و عمیق تر خواهد شد. در حدیث می خوانیم که یکی از راه های شناخت انسان ها، مطالعه نیایش های آن هاست. بعضی از نیازهای حقیقی خود غافلند و به نیازهای کاذب آنی و زودگذر رو آورده اند. اما مطالعه این آیات نیازهای حقیقی را به ما نشان می دهد. چیزی که ابراهیم بزرگ از خداوند خواست، نیازی که نوح پیامبر از خدا درخواست کرد، موسی کلیم الله و عیسی روح الله طلب کرده و مریم پاک و یوسف صدیق به سمت آن دست نیاز بلند کرده و...

حال به تماشای این آیات نورانی می رویم و تصمیم می گیریم که به توصیه امام حسن مجتبی (ع) عمل کنیم که به یکی از یارانش فرمود: به سراغ دعاهای قرآن برو و آن ها را دستور کار خود قرار ده.

۱- دعای آدم و حوا

طلب مغفرت و بخشش

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف، ۲۳) گفتند: پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیان کاران خواهیم بود!

۲- دعا‌های حضرت نوح (ع)

نجات خود و مؤمنان

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ، فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸) گفت: پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند! اکنون میان من و آن ها جدایی بیافکن و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!

هلاکت کافرانی که مردم را گمراه می کنند

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا، إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح، آیات ۲۶ و ۲۷) نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! چرا که اگر آن ها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می کنند، و جز نسل های فاجر و کافر به وجود نمی آورند.

بخشش برای مومنین نابودی برای کافران

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (نوح، آیه ۲۸) پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان با ایمان را بیامرزد و ظالمان را جز هلاکت میفزاید.

انتقام از دشمن

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ (قمر، آیه ۱۰) او به درگاه پروردگار عرضه داشت: من مغلوب این قوم طغیان گر شده ام، انتقام مرا از آن ها بگیر!

نصرت و یاری

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي (مومنون، آیه ۲۶) (نوح) گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب های آنان یاری کن!

سرزمین مبارک

وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (مومنون، آیه ۲۹) و بگو: پروردگارا! ما را در منزل گاه هایی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگان!

نجات فرزند

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (هود، آیه ۴۵) نوح به پروردگارش عرض کرد:

ص: ۶۷

پروردگارا! پسر من از خاندان من است، و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم کنندگان برتری!

بخشش و رحمت

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ (هود، آیه ۴۷) عرض کرد:
پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیان کاران خواهم بود.

۳- دعا‌های حضرت ابراهیم (ع)

علم و حکمت

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (شعرا، آیه ۸۳) پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن!

محبوبیت و خوشنامی

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (شعرا، آیه ۸۴) و برای من در میان امت های آینده، زبان صدق و ذکر خیری قرار ده!

بهشت

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (شعرا، آیه ۸۵) و مرا از میراث بران بهشت، پر نعمت گردان!

ص: ۶۸

مغفرت برای ناپدیری

وَاعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (شعرا، آیه ۸۶)، و بر پدرم ببخشای، زیرا او از گمراهان است. (آزر پدر همسر یا عموی ابراهیم بوده و پدرش تارخ موحد بوده است)

عزت در قیامت

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا- مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (شعرا، آیات ۸۷ تا ۸۹) و مرا در روزی که (مردم) برانگیخته می شوند. خوار مگردان، در آن روز که مال و پسران سودی نمی بخشند، مگر کسی که با قلبی سالم، از عقاید و اخلاق فاسده، به نزد خداوند بیاید.

مصونیت از فتنه کفار

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (ممتحنه، آیه ۵) پروردگارا! ما را وسیله آزمایش کسانی که کفر ورزیدند قرار مده (که ما را به زبان یا به عمل بیازارند یا برای امتحان آن ها ما را به مصائبی گرفتار مساز)، و پروردگارا، بر ما ببخشای، زیرا تویی که صاحب اقتدار و حکمتی.

فرزند صالح

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (صافات، آیه ۱۰۰) پروردگارا! به من از صالحان (فرزندان صالح) ببخش!

ص: ۶۹

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا (ابراهيم، آیه ۳۵) (به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده!

دوری از انحراف

وَاجْتَنِبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (ابراهيم، آیه ۳۵) و من و فرزندانم را از پرستش بت ها دور نگاه دار!

محبوبیت

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ (ابراهيم، آیه ۳۷) پروردگارا! همانا من بعضی از فرزندانم را (اسماعیل را به همراه مادرش) در دره ای بی کشت و زرع در نزد خانه محترم و مصون تو ساکن کردم، پروردگارا تا نماز را برپا دارند، پس چنان کن که دل هایی از مردم به سوی آن ها میل کنند.

رفاه و برخورداری

وَأَرْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (ابراهيم، آیه ۳۷) و از محصولات گوناگون روزی آنان گردان، باشد که سپاس گزارند.

ص: ۷۰

نسلی نماز گزار

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ (ابراهيم، آیه ۴۰) پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر!

مغفرت برای والدین و مومنین

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (ابراهيم، آیه ۴۱) پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز.

قبولی عمل

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره، آیه ۱۲۷) و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند و می گفتند پروردگارا! (این عمل را) از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

تسلیم تو بودن

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذُرِّيَّتَنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ (بقره، آیه ۱۲۸) پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرار ده! و از فرزندان ما نیز امتی تسلیم خود به وجود آور!

ص: ۷۱

وَ أَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَ تُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره، آیه ۱۲۸) و شیوه های پرستش مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر،
بی گمان تویی که توبه پذیر و مهربانی!

نسلی معلم و مربی

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا - مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (بقره، آیه ۱۲۹)
پروردگارا! در میان آن ها پیامبری، از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان، بخواند، و آن ها را کتاب و حکمت بیاموزد و
پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!

دعاهای حضرت لوط

غلبه بر تبهکاران

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (عنکبوت، آیه ۳۰) گفت: پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!

نجات از فاسدان

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (شعرا، آیه ۱۶۹) پروردگارا! من و خاندانم را از آن چه که این ها انجام می دهند رهایی بخش!

سلطنتی بی نظیر

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (ص، آیه ۳۵) گفت: پروردگارا! مرا بیامرز و مرا آن پادشاهی ببخش که پس از من هیچ کس را نسزد، که تویی بسیار بخشنده.

روحیه سپاس گزاری

رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ (نمل، آیه ۱۹) پروردگارا! مرا الهام کن، و توفیق ده که نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس دارم.

عمل کرد شایسته

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ (نمل، آیه ۱۹) و کاری نیک و شایسته کنم که آن را می پسندی.

دعای سپاهیان طالوت

مقاومت

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره، آیه ۲۵۰) و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند: پروردگارا، بر ما شکیبایی فروریز و گام هامان استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری و پیروزی ده.

خوش عاقبتی

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مَنْ تَأْوِيلَ الْأَحْيَادِ فَطَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (یوسف، آیه ۱۰۱) پروردگارا! مرا از پادشاهی (بهره) بدادی و از تعبیر خواب ها بیاموختی، ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین، تو یار و سرپرست من در این جهان و آن جهانی، مرا مسلمان گردن نهاده و فرمان بردار بمیران و به شایستگان نیکوکار ببیوند.

دعای حضرت یونس

بخشش

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸) و ذالنون (یونس) را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین برفت و پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، در آن ظلمت ها صدا زد: (خداوندا!) جز تو معبودی نیست! پاک و منزهی تو، همانا من از ستمکاران بودم!، ما دعای او را به اجابت کردیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

دعای اصحاب کهف

رحمت و رشد

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (كهف، آیه ۱۰) زمانی را به خاطر بیاور که آن جوان مردان به غار پناه بردند، و گفتند: پروردگارا، به ما از نزد خویش بخشایشی ارزانی دار و برای ما در کارمان رهیابی (به صلاح و کمال) را فراهم ساز.

دعای حضرت شعیب (ع)

گشایش

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (اعراف، آیه ۸۹) پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری کن، که تو بهترین داورانی.

دعاهای حضرت موسی (ع)

آمرزش

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (قصص، آیه ۱۶) پروردگارا! من به خویشتم ستم کردم، مرا ببخش! خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است!

ص: ۷۵

رهایی از ظالمین

رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص، آیه ۲۱) پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش.

هدایت به راه درست

عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ (قصص، آیه ۲۲) امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند!

خیر و نیکی

رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (قصص، آیه ۲۴) پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!

شرح صدر

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (طه، آیه ۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! سینه ام را گشاده کن.

زمینه سازی

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (طه، آیه ۲۶) و کارم را برایم آسان گردان!

زبان گویا، بیان مردم پسند و قابل فهم

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه، آیات ۲۷ و ۲۸) و گره از زبانم بگشای، تا سخنان مرا بفهمند!

ص: ۷۶

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (طه، آیات ۲۹ تا ۳۲) و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را!، با او پشتم را محکم کن، و او را در کارم شریک ساز.

کمک در برابر دشمنان

قَالَ- رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعِنَا (طه، آیه ۴۵) (موسی و هارون) گفتند: پروردگارا! از این می ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد) یا طغیان کند و نپذیرد.

نابودی سرمایه مستکبران

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالَهُمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (يونس، آیه ۸۸) موسی گفت: پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگان را) از راه تو گمراه می سازند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و به جرم گناهان شان دل هایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند!

مغفرت و رحمت برای خود و وزیر خود

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَاخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (اعراف، آیه ۱۵۱) (موسی) گفت: پروردگارا! من و برادرم را ببامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربان ترین مهربانانی!

مغفرت و رحمت

قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيِّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (اعراف، آیه ۱۵۵) گفت: پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آن ها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آن چه سفیهان مان انجام داده اند مجازات و هلاک می کنی؟ این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست که هرکس را بخواهی (و مستحق بدانی) به وسیله آن گمراه می سازی و هرکس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می کنی! تو ولی مایی و ما را ببامرز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگان.

حسنه دنیا و آخرت

وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ (اعراف، آیه ۱۵۶) و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما. چه این که، ما به سوی تو بازگشت کرده ایم.

ص: ۷۸

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (مائده، آیه ۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! من جز اختیار خودم و برادرم را ندارم، میان ما و این قوم نافرمان جدایی انداز.

دعای ساحران ایمان آورده

استقامت، بر خور داری از ایمان در حال مرگ

رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (اعراف، آیه ۱۲۶) بار الها! صبر و استقامتی بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیباییان را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!

رهایی از فتنه ستم گران

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (یونس، آیات ۸۵ و ۸۶) گفتند: تنها بر خدا توکل داریم؛ پروردگارا! ما را مورد شکنجه (وسیله آزمایش) گروه ستم گر قرار مده! و ما را با رحمت از (دست) قوم کافر رهایی بخش!

دعای بنی اسرائیل

رحمت و مغفرت

لئن لم یزحمنّا ربُّنا ویغفر لنا لنکوننّ من الخاسرین (اعراف، آیه ۱۴۹) اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، به طور قطع از زیان کاران خواهیم بود.

دعاهای آسیه همسر فرعون

خانه ای در بهشت

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائِن لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِی الْجَنَّةِ (تحریم، آیه ۱۱) و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را مثل زد در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز.

نجات از فرعون و نظام فرعونی

وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم، آیه ۱۱) و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از این قوم ستم گر رهایی بخش!

دعاهای حضرت زکریا(ع)

نسلی پاکیزه

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران، آیه ۳۸) در آن جا و در آن وقت بود که زکریا

ص: ۸۰

پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو شنوای دعایی.

نسلی ادامه دهنده راه، نسلی موردپسند تو

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نَدَاءً خَفِيًّا، قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبَّ شَقِيًّا، وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا، يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (مریم، آیات ۳ تا ۶) در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند، گفت: پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری، تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده ام، و من از بستگان بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند!) و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است. تو از نزد خود جانشینی به من ببخش، که وارث من و دودمان یعقوب باشد و او را مورد رضایت قرار ده!

همراهان، ادامه دهنده راه

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (انبیاء، آیه ۸۹) و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن) و تو بهترین وارثانی.

ص: ۸۱

دعای حنه مادر مریم

قبولی نذر

إِذْ قَالَتْ امْرَأَةٌ عَمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (آل عمران، آیه ۳۵) (به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: خداوندا! آن چه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی!

دعای حضرت عیسی (ع)

سفره ای آسمانی

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَانَا وَآخِرْنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (مائده، آیه ۱۱۴) عیسی بن مریم عرض کرد: خداوندا! ای پروردگار ما! از آسمان مائده ای بر ما بفرست! تا برای اولین و آخرین ما، عیدی باشد، و نشانه ای از جانب تو و به ما روزی ده! که تو بهترین روزی دهندگانی.

دعای حواریون حضرت عیسی (ع)

پیروی پیامبر

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (آل عمران، آیه ۵۳) پروردگارا! به آن چه نازل کرده ای؛ ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ ما را در زمره گواهان بنویس!

ص: ۸۲

بخشش گناهان، گام های استوار

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (آل عمران، آیه ۱۴۷) پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی ما را در کارمان بر ما ببخش و قدم های ما را استوار بدار! و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان!

دعای برادران خسارت دیده

بازگرداندن نعمت

قَالُوا سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ، فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ، قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ، عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (قلم، آیات ۲۹ تا ۳۲) گفتند: پروردگار ما منزّه است، مسلماً ما ظالم بودیم! پس روبه یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، و فریادشان بلند شد، گفتند: وای بر ما که طغیان گر و سرکش بودیم، امید است که پروردگارمان (ما را ببخشد) و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد که ما به سوی پروردگارمان مشتاقیم.

دعاهای پیامبر اسلام (ص)

داوری بین مردم

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (زمر، آیه ۴۶) بگو: خداوندا، ای آفریننده آسمان ها و زمین و

آگاه از اسرار و نهران و آشکار، تویی که در میان بندگانت در آن چه (در دنیا) اختلاف می کردند (در عالم آخرت) داوری خواهی کرد.

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (انبیاء، آیه ۱۱۲) (و پیامبر)، گفت: پروردگارا! به حق داوری فرما (و این طغیان گران را کیفر ده)! و پروردگار ما (خداوند) رحمان! است که در برابر نسبت های ناروای شما، از او استمداد می طلبم.

مغفرت و رحمت

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (مومنون، آیه ۱۱۸) و بگو: پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن و تو بهترین رحم کنندگانی!

افزایش علم

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه، آیه ۱۱۴) پروردگارا! بر دانش من بیافزای

ورود و خروج درست

وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (اسراء، آیه ۸۰) و بگو: پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز، و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!

ص: ۸۴

وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسراء، آیه ۲۴) و بگو: پروردگارا! همان طور که آن ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت شان قرار ده!

دعای مسیحیان تازه مسلمان

یاری اسلام

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (مائده، آیات ۸۳ و ۸۴) و هر زمانی آیاتی بر پیامبر (اسلام) نازل شد بشنوند، چشمهای آن ها را می بینی که (از شوق) اشک می ریزد به خاطر حقیقتی که دریافته اند، آن ها می گویند: پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس، چرا ما به خدا و آن چه به ما رسیده است، ایمان نیاوردیم در حالی که آرزو داریم پروردگاران ما را در زمره صالحان قرار دهد.

دعای مستضعفان ستمدیده

نجات از محیط آلوده به ظلم

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء، آیه ۷۵) چرا در راه

خدا، نبرد نمی کنید؟ و (نیز) در راه (رهایی) مستضعفان از مردان و زنان و کودکانی که می گویند: پروردگارا ما را از این شهر که مردمش ستم گرند رهایی بخش و از سوی خود برای ما سرپرستی بگذار و از سوی خود برای ما یآوری بگمار.

دعاهای فرشتگان

مغفرت برای توبه کنندگان

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (غافر، آیه ۷) فرشتگانی که حاملان عرشند و آن ها که گرداگرد آن (طواف می کنند)، تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند): پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند، بیامرزد و آنان، را از عذاب دوزخ نگاه دار!

بهشت برای رهروان راه خدا

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمِنْ صَلَاحٍ مِنْ آيَاتِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (غافر، آیه ۸) پروردگارا! آن ها را در باغ های جاویدان بهشت که به آن ها وعده فرموده ای، وارد کن، هم چنین از پدران، همسران و فرزندانشان هرکدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی!

ص: ۸۶

وَقَهُمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (غافر، آیه ۹) و آنان، را از بدی ها نگاه دار، و هر کس را که در آن روز از بدی ها نگاه داری، مشمول رحمت ساخته ای و این است همان رستگاری عظیم!

دعای خردمندان

رهایی از آتش

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (آل عمران، آیات ۱۹۰ تا ۱۹۲) مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. همانا که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند. (و می گویند:) بارالها! این ها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش نگاه دار! پروردگارا! هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای و برای افراد ستم گر هیچ یآوری نیست!

بخشش گناهان، پوشش بدی ها، مردن با خوبان

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (آل عمران، آیه ۱۹۳) پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد. که: به پروردگار خود، ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را بخش! و بدی های ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن ها) بمیران!

تحقق وعده پیامبران

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل عمران، آیه ۱۹۴) پروردگارا! آن چه را به وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی.

دعای پرهیزکاران

بخشش گناهان

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (آل عمران، آیات ۱۶ و ۱۷) همان کسانی که می گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده ایم. پس گناهان ما را بیاور و ما را از عذاب آتش نگاه دار، آن ها که (در برابر مشکلات و در مسیر اطاعت و ترک گناهان) استقامت

ص: ۸۸

می ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند و در سحرگاهان استغفار می کنند.

دعای دو گروه از مردم

فقط دنیا

فَمَنْ النَّاسُ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ (بقره، آیه ۲۰۰) برخی از مردم می گویند: پروردگارا به ما در دنیا (نعمت) ده و آنان را در آخرت نصیبی نیست.

هم دنیا، هم آخرت

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره، آیه ۲۰۱) و بعضی از آنان می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن! و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار!

دعای مومنان راستین

مغفرت

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (بقره، آیه ۲۸۵) پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و

ص: ۸۹

فرشتگان او و کتاب ها و فرستادگانش، ایمان آورده اند؛ (و می گویند) ما در میان هیچ یک از پیامبران، او، فرق نمی گذاریم، (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.

عدم مواخذه در فراموشی ها و اشتباهات

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْرَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا (بقره، آیه ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی کند، (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند:) پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم؛ ما را مؤاخذه مکن!

معافیت از تکالیف سخت

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصِيرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ (بقره، آیه ۲۸۶) پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا، آن چه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار.

بخشش، رحمت و نصرت

وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره، آیه ۲۸۶) و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت

خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

دعای دانشمندان

بقاء بر هدایت

رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران، آیه ۸) (راسخان در علم، می گویند):
پروردگارا! دل هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما
بیخش، زیرا تو بخشنده ای!

دعای مهاجران و انصار

کینه نداشتن

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا- لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (حشر، آیه ۱۰)
پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی، گرفتند بیامرز و در دل هایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار
مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!

دعای چهل ساله ها

شکر نعمت، عمل صالح و نسل صالح

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سِنَهُ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
وَأَصْلِحْ لِي فِي

ص: ۹۱

ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (احقاف، آیه ۱۵) تا آن گاه که به کمال نیروی (جسمی و عقلی) خود و به چهل سالگی رسید گفت: پروردگارا، مرا الهام کن و توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای (نعمت ظاهری مادی و نعمت معنوی عقل و ایمان) شکرگزار باشم، و به کار شایسته ای که رضایت و خشنودی تو در آن است موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان، بارالها! من به درگاه تو بازآمدم و از مسلمانانم.

دعاهای عبادالرحمن

رهایی از آتش

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (فرقان، آیه ۶۵) و آنان می گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذاب آن پیوسته و بر دوام است!

نسلی مایه افتخار، نسلی الگو

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (فرقان، آیه ۷۴) و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

ص: ۹۲

درخشش بیش تر

رَبَّنَا أَتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفُ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (تحریم، آیه ۸) پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی!

دعای اهل اعراف

دوری از ستم گران

وَيَبْنُهُمْ حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ، وَإِذَا صُيرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلَقَّاءُ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (اعراف، آیات ۴۶ و ۴۷) و میان آن دو گروه (بهشتیان و دوزخیان) حجاب و حایلی است و بر کنگره های آن حجاب مردانی هستند (از معصومین و اولیاء حق) که هر گروهی را به سیمایشان می شناسند، و آنان به اهل بهشت ندا می دهند که سلام بر شما بهشتیانی که هنوز وارد آن نشده اند و امید آن را دارند و چون چشمانشان به سوی اهل آتش برگردانده شود، گویند: پروردگارا ما را با گروه ستم کاران قرار مده.

دعای اهل جهنم

رهایی از جهنم

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ، رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (مؤمنون، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷) پروردگارا! سنگ

دلی ما بر ما چیره بود و ما قومی گمراه بودیم! پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آور، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمکاریم (و مستحق عذاب)!

دعاهای اهل بهشت

سپاس برای تحقق وعده الهی

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مَنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (زمر، آیه ۷۴) آن ها می گویند: حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) در میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزل گاه خود قرار دهیم، چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!

سپس برای هدایت

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (اعراف، آیه ۴۳) و می گویند: ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت ها) رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به این ها)، راه نمی یافتیم! مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند! و (در این هنگام) به آنان، ندا داده می شود که: این بهشت، را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!

اشاره

انسان تواناترین مخلوق خداست و خداوند استعدادی در درون او قرار داده که می تواند هستی را تحت سیطره خود درآورد و مورد بهره برداری قرار دهد، از گیاهان استفاده کند، حیوانات را رام خویش کند و با کشف قوانین حاکم بر طبیعت، طبیعت را مسخر خویش کند.

اما علی رغم همه توانایی ها آسیب پذیر نیز هست؛ نقاط ضعف بسیار دارد. خطرهایی او را تهدید می کند که به هنگام هجوم خطرات نیازمند پناه گاه است پناه گاهی آگاه، مطمئن، مقتدر و مهربان، خداوند می فرماید: ای انسان آن پناهگاه منم وقتی با خطر روبه رو شدی آغوش رحمت من به رویت گشوده است به خودم پناه ببر دستت را می گیرم و از نابودی نجات می دهم فقط کافی است مرا صدا بزنی و از من کمک بخواهی پاسخ مرا خواهی شنید.

احساس پناه جویی در فطرت تمام انسان ها هست، حتی کافران. قرآن می فرماید: کافران وقتی در طوفان دریا گرفتار می شوند از

روی اخلاص خدا را صدا می زنند. اما وقتی به ساحل نجات رسیدند دوباره سراغ غیر خدا می روند.

وقتی انسان در محاصره خطر گرفتاری می شود در صحرا باشد یا دریا، در هوا باشد یا زمین، در دلش روزنه امیدی است که یکی هست مرا کمک کند، مرا نجات دهد آری آن قدرت خداوند یکتاست.

نماز وسیله ای است برای درخواست کمک از خدای حی قدیر، خدایی که بندگانش را می بیند و از مشکلات آنان باخبر است و قدرت دفع خطر از آنان را دارد و چون بندگانش را دوست دارد، از روی مهرش خطر را از آنان دور می کند.

برای پرورش این احساس چه کنیم؟ برای این که این احساس مدفون نشود، گرد و غبار نگیرد ما می توانیم با شمارش خطرات و نمایش خطرهای این احساس را با نشاط و سرزنده نگه داریم. وقتی با دنیای خطرها و گستردگی و تنوع آن ها آشنا می شویم بیش تر حس می کنیم که به خدا محتاجیم.

خطرهای مادی و معنوی، خطرهای جسمی و روحی، خطرهای فردی و اجتماعی، خطرهای دنیایی و آخرتی، خطرهای منتظره و غیر منتظره.

آری طرح پیشنهادی انبیاء این است: شمارش خطرها، نمایش خطرها.

قرآن کریم دو بار در سوره مبارکه بقره به مومنان می فرماید: در مشکلات و سختی ها از صبر و نماز کمک بگیرید «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». معلوم می شود که نماز پشتوانه و پشتیبان ما در زندگی است. فقط باید این دستگیره مطمئن را باور کنیم تا از خطرات مصون بمانیم و از عوذ و مشتقات آن، بارها و بارها در قرآن کریم و صدها و صدها بار در احادیث و دعاهای پیامبر عزیز اسلام و ائمه معصومین آمده. وقتی این واژه را در آیات قرآن و احادیث پی می گیریم با طوماری از خطرها روبه رو می شویم که نسبت به بسیاری از آن ها غافل هستیم.

خطرها آن قدر جدی و مهلک هستند که خداوند به بزرگ ترین بنده خود، یعنی پیامبر اسلام (ص) امر می کند که تو هم بگو پناه می برم فکر نکن از خطرات در امانی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶) (سوره الناس) بگو پناه می برم به پروردگار مردم. به مالک و حاکم مردم. به معبود مردم از شر وسوسه گر پنهان که درون سینه های مردم وسوسه می کند خواه جنی یا انسی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

(سوره الفلق) بگو پناه ببرم به خدای سپیده صبح، از شر تمام آن چه آفریده است و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود و از شر آن ها که با افسون در گره ها می دمنند (و تصمیم ها را سست می کنند) و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد.

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (مومنون، آیات ۹۷ و ۹۸) بگو پناه می برم به تو از وسوسه های شیطان ها و پناه می برم به تو وقتی حضور پیدا می کنند.

قوی ترین انسان ها گاهی با یک بیماری از پای می افتند. یک خطر کوچک جزئی جسمی، تا چه رسد به خطرهای روحی و فکری و اجتماعی.

شاه کار نماز این است که قدرت انسان را بالا می برد و مقاومت انسان را تقویت می کند.

به انسان قوت قلب می دهد وقتی به پشتیبانی سرچشمه قدرت ها یعنی پروردگار عالم دل گرم می شود قدرتی صدچندان پیدا می کند وقتی می بیند در میدان تنها نیست، امید پیدا می کند و بر مشکل غلبه پیدا می کند.

کسانی که مایلند به اقامه نماز عمق بیخشند، یکی از برنامه های مهمشان باید خطر شماری باشد. انسان تا زمانی که از خطرات غافل است، مغرور می شود به پول، قدرت، پست و موقعیت خود، به دانش و تجربه خود می بالد و گاهی به زبان هم می آورد که بی نیاز به نماز است؛ اما وقتی با دنیای خطرها آشنا می شود، احساس خطر

جدی می کند و به دنبال پناهگاه حقیقی می گردد و با تمام وجود، فریاد الغوث الغوث او بلند می شود.

رسول خدا(ص) به ابوذر غفاری فرمود: می دانی چه نمازی از همه نمازها بهتر است، نمازی که قنوتش طولانی تر باشد. ما در قنوت حالت تضرع، توسل، التماس، استمداد استعانه پیدا می کنیم و این صحنه زیبای نماز است. امام صادق(ع) به یکی از اصحابش فرمود: اگر در قنوت نمازت به گریه افتادی، به من دعا کن. معلوم می شود این حالت کمک خواهی از خدا و پناه بردن به دامن کبریایی خداوند، لحظه زیبا و گران بهایی است. قرآن می فرماید:

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (فصلت، آیه ۳۶) هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه ببر که او شنونده و داناست. حتی وقتی به قصد قرائت قرآن می خوانی، شیطان به سراغت می آید، همانا به خدا پناه ببر.

مسئله پناهندگی فطری است، بزرگ و کوچک، زن و مرد، باسواد و بی سواد فقیر و غنی به محض احساس خطر به جایی یا کسی پناه می برند. منتهی موضوع مهم این است که از چه پناه ببریم خطر اصلی چیست؟ گاهی از چیزهایی پناه می بریم که واقعاً خطر مهمی نیستند و خطرهای بزرگی در کمین ماست ولی هیچ نگرانی نداریم. الآن اگر در کشور ما پناهنده کم شود، همه فریاد می زنند پناهنده کم است، اما وقتی بشنوند بیش از ده میلیون بی سواد در کشور زندگی می کنند، فریاد نمی زنند.

تیم مورد علاقه اش می بازد، جیغ می کشد؛ اما نماز صبحش قضا می شود ولی ناراحت نیست. درد دندان می گیرد همه مطلع می شوند، اما روحش آسیب دیده و به حسد مبتلا شده، احساسی ندارد. در مقابل جنگ سخت بسیج می شویم در مقابل جنگ نرم [که حساس هستیم]، احساس خطر زیادی نمی کنیم. باید از طریق قرآن و پیامبر و رهبران آسمانی با خطرهای آشنا شویم و از شر آنها به خدا پناه ببریم. گاهی دشمن مثل گرگی که در قصه های قدیمی می گفتند، به سراغ ما می آید و برای این که وحشت نکنیم، پوست میش می پوشد و صدای خود را عوض می کند، تا ما را به اشتباه بیاندازد؛ این ما هستیم که باید هوشیار باشیم.

رسول خدا(ص) بعد از هر نماز عصری، از این خطرهای خدا پناه می برد.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ» خدایا به تو پناه می برم، از نفسی که سیرایی ندارد (حریص است).

«وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ» و از قلبی که خشوع و فروتنی ندارد.

«وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» و از دانشی که سودی ندارد.

«وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ» و از نمازی که بالا نمی رود.

«وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ» و از دعایی که شنیده نمی شود. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۹۳)

خطر شماری را هم باید از اولیاء پیاموزیم. در دعا می خوانیم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ عَلِيٌّ (ع) وَ الْأَوْصِيَاءُ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۲)

خدایا به تو پناه می برم از آن چه پیامبر و علی و اوصیاء از آن پناه می بردند.

دعای پناه جویی (استعاذه) (دعای هشتم صحیفه):

در دعای هشتم صحیفه سجادیه، که آشنایی با این خطرها روح پناهندگی را در ما تقویت می کند، امام سجاد(ع) از این خطرها به خداوند بزرگ پناه برده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ، خدایا به تو پناه می برم:

۱- مَنْ هَيَّجَانَ الْحَرْصِ، از هیجان و شر و شور حرص

۲- وَ سَوْرَةَ الْغَضَبِ، و هجوم و تندی خشم

۳- وَ غَلَبَةَ الْحَسَدِ، و تسلط حسد

۴- وَ ضَعْفَ الصَّبْرِ، و ناتوانی شکیبایی (کم صبری)

۵- وَ قَلَّةَ الْقَنَاعَةِ، و اندک بدون قناعت

۶- وَ شَكَاةَ الْخُلُقِ، و بدی اخلاق

۷- وَ إِفْرَاطَ الشَّهْوَةِ، و افراط در شهوت

۸- وَ مَلَكَهَ الْحَمِيَّةِ، و حاکمیت تعصب

۱- وَ مُتَابَعَةَ الْهَوَى، و پیروی از هوس

ص: ۱۰۱

- ۱۰- وَ مُخَالَفَهُ الْهُدَى، مخالفت با هدایت
- ۱۱- وَ سَتَهُ الْعُفْلَةَ، و فرو رفتن به خواب غفلت
- ۱۲- وَ تَعَاطَى الْكُلْفَةَ، و انجام کارهای سخت (که به عهده انسان نیست)
- ۱۳- وَ إِثَارَ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ، و ترجیح دادن باطل بر حق
- ۱۴- وَ الْإِصْرَارَ عَلَى الْمَأْتَمِّ، و اصرار بر گناه.
- ۱۵- وَ اسْتِضْغَارَ الْمَعْصِيَةِ، و کوچک شمردن گناه
- ۱۶- وَ اسْتِكْبَارَ الطَّاعَةِ، و بزرگ شمردن طاعت
- ۱۷- وَ مُبَاهَاةَ الْمُكْثَرِينَ، و از به خود بالیدن و فخر فروشی با توانگران
- ۱۸- وَ الْإِزْرَاءَ بِالْمُقْلِينَ، و خوار شمردن بینوایان
- ۱۹- وَ سُوءَ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا، و از بدرفتاری با زیردستان (مدیریت بد)
- ۲۰- وَ تَزَكَّ الشُّكْرِ لِمَنْ اضْطَنَّعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا، و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است
- ۲۱- أَوْ أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا، یا از این که به ظالمی کمک کنم
- ۲۲- أَوْ نَحْذُلَ مَلْهُوفًا، یا این که ستمدیده ای را خوار سازم
- ۲۳- أَوْ نَزُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، یا آن چه حق ما نیست بخواهید
- ۲۴- أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بَعِيرَ عِلْمٍ، یا از روی بی دانشی، سخنی در دانش گوئیم
- ۲۵- وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غَشِّ أَحَدٍ، و پناه می بریم به تو از این که خیال فریب کسی را در دل بپروری
- ۲۶- وَ أَنْ نُعْجَبَ بِأَعْمَالِنَا، و از کردار خویش دچار خودپسندی شوی

- ۲۷- وَ نَمُدَّ فِي آمَالِنَا، وَ آرزوهمان را دراز کنیم
- ۲۸- وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ، وَ به تو پناه می بریم از سیرت و باطن زشت
- ۲۹- وَ اخْتَقَارِ الصَّغِيرَةِ، وَ کوچک شمردن گناه کوچک
- ۳۰- وَ أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، وَ از این که شیطان بر ما چیره شود
- ۳۱- أَوْ يَنْكِبَنَا الزَّمَانُ، یا روزگار ما را بدبخت کند
- ۳۲- أَوْ يَتَهَضَّضَنَا السُّلْطَانُ، یا پادشاه بر ما ستم کند.
- ۳۳- وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْأَسْرَافِ، وَ پناه می بریم به تو از اسراف کاری
- ۳۴- وَ مِنْ فَقْدَانِ الْكُفَافِ، وَ نیافتن روزی به اندازه نیاز
- ۳۵- وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ به تو پناه می بریم از شادکامی و سرزنش دشمنان
- ۳۶- وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَ از احتیاج به هموعان
- ۳۷- وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَ از تنگنای معیشت
- ۳۸- وَ مِيْتَهُ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ، وَ از مردن بدون آمادگی و توشه
- ۳۹- وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحُسْرَةِ الْعُظْمَى، وَ به تو پناه می بریم از افسوس و حسرت بزرگ
- ۴۰- وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَ مصیبت بزرگ
- ۴۱- وَ أَشَقَى السَّقَاءِ، وَ از بدترین شوربختی
- ۴۲- وَ سُوءِ الْمَأْبِ، وَ عاقبت بد
- ۴۳- وَ حَرَمَانَ الثَّوَابِ، وَ محروم شدن از ثواب

۴۴- وَ حُلُولِ الْعِقَابِ، وَ كَرَفَاتِ رَشْدِنَ بِهٖ عِقَابٍ وَ عَذَابِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكِ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بارخدایا، بر محمد و آلش درود بفرست و به رحمت خویش مرا و همه مردان و زنان مومن را از آن چه گفته شد پناه ده.

خطرات مرگ های ناگوار

در دعا می خوانیم: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمَيِّنَنِي غَرْقًا أَوْ حَرْقًا أَوْ شَرْقًا أَوْ قَوْدًا أَوْ صَبْرًا أَوْ مَسَمًا أَوْ تَرْدِيًا فِي بئرٍ أَوْ أَكِيلِ السَّبْعِ أَوْ مَوْتِ الْفَجْأَةِ أَوْ بِشْيٍ مِنْ مَيِّتَاتِ السُّوءِ (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۵) بارخدایا پناه می برم به جوشن نگه دارنده تو و پناه می برم به وابستگی به حضرتت، از این که مرا بمیرانی به وسیله: غرق شدن در آب، یا سوختنی در آتش، یا گلوگیر شدن، یا به قصاص، یا دست بسته به دست دشمن، یا به زهر خوردن، یا پرت شدن، یا در چاه افتادن، یا طعمه درندگان شدن، یا مرگ ناگهانی و یا به هریک از مرگ های ناگوار.

خطرات طبیعی

۱- بادهای آسیب رسان

أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيحُ، خدایا به تو پناه می برم از شر آسیب هایی که بادهای می آورند.

ص: ۱۰۴

أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبْعٍ، پناه می برم به تو از شر هر درنده

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۴۴)، پناه می برم به خدا از شر شیر و سیاهی و مار و عقرب.

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْهِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرِّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۹۸)، پناه می برم به تو از شر حیواناتی که بر شکم راه می روند (خزندگان) و از شر حیواناتی که با دو پا راه می روند و از شر حیواناتی که با چهار پا راه می روند و از شر هر موجود خطرناکی و از هر جنبنده ای که جانش به دست توست.

خطرات اجتماعی

همسایه بد

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ إِقَامِهِ تَرَكَ عَيْنَاهُ وَ يَزَعَاكَ قَلْبُهُ إِنَّ رَأْيَكَ بِخَيْرٍ سَاءَهُ وَ إِنَّ رَأْيَكَ بِشَرٍّ سَيْرَهُ (الكافی، ج ۲، ص ۶۶۹) پناه می برم به خداوند از همسایه بد در وطن. چشمانش تو را می بیند و دلش مراقب توست آن گاه که به خوبی به تو رسد ناراحت می شود و زمانی که بدی رسد شاد می شود.

ص: ۱۰۵

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ (الكافي، ج ۴، ص ۲۸۴) خدایا به تو پناه می برم از رنج سفر و سفر اندوه بار و دیدن روز بد در میان خانواده و ثروت و فرزندان.

ستم کردن، مورد ستم واقع شدن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَقْطَعَ رَحِمًا أَوْ أُؤَذَى جَارًا (الكافي، ج ۴، ص ۴۶۷) خدایا به تو پناه می برم از این که ظلم کنم یا ظلم بپذیرم یا رابطه ام را با خویشان قطع کنم و یا همسایه ای را بیزارم.

همسر بد

أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشَيِّبُنِي قَبْلَ مَشِيئِي (الكافي، ج ۵، ص ۳۲۶) خدایا به تو پناه می برم از همسری که قبل از پیر شدن پیرم کند.

فتنه های گمراه کننده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۷) پناه می برم به تو از فتنه های گمراه گر.

ترس در بحران ها، ضعف در میدان های مسابقه

أَعُوذُ بِكَ عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ الْجُبْنِ عِنْدَ مَوَارِدِ الْأَهْوَالِ وَمِنَ الضَّعْفِ عِنْدَ مُسَاوَرَةِ الْأَبْطَالِ (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۶) پناه می برم به تو از ترس

ص: ۱۰۶

در بحران‌ها و خطر‌ها و از ناتوانی به هنگام روبه‌رو شدن با قدرتمندان.

خطر گناهان

هر گناهی اثری خاص در شخصیت و روند تکاملی انسان می‌گذارد، مثل امراض که هر مرض به بخشی از ساختمان بدن انسان آسیب می‌رساند. فقط به یک حدیث در این زمینه نظر شما را جلب می‌کنیم.

۱- گناهانی که کیفر الهی را به دنبال دارد. **أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحْدِثُ النَّقْمَ.**

۲- گناهانی که باعث پشیمانی می‌شود. **وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ.**

۳- گناهانی که قسمت انسان را تنگ می‌کند. **وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الْقَسَمَ.**

۴- گناهانی که پرده‌های حیای بین انسان و خدا را پاره می‌کند. **وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعَصَمَ.**

۵- گناهانی که مانع قضاء الهی می‌شود. **وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَضَاءَ.**

۶- گناهانی که زمینه نزول بلاء می‌شود. **وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ.**

۷- گناهانی که دشمنان را حاکم می کند. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ.

۸- گناهانی که مانع استجابت می شود. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ.

۹- گناهانی که مرگ انسان را زودرس می کند. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ.

۱۰- گناهانی که رشته امید انسان را قطع می کند. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَقَطِّعُ الرَّجَاءَ.

۱۱- گناهانی که بدبختی می آورد. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُورِثُ الشَّقَاءَ.

۱۲- گناهانی که هوا را آلوده می کند. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ.

۱۳- گناهانی که پرده ها را کنار می زند. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ

۱۴- گناهانی که مانع نزول باران می شود. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ. (تهذیب الأحكام، ج ۳، ص

۹۵)

ص: ۱۰۸

۱- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۲)، بارالها از شر خودم به تو پناه می برم.

۲- در دعا می خوانیم: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسِيلِ وَالْفَشَلِ وَالْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالذَّلَّةَ وَالْمُسْكَنَةَ وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ (بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۹۲) خدایا به تو پناه می برم از بی نشاطی، سستی، غصه، افسردگی، ترس، بخل، غفلت، سنگدلی، ذلت، بدبختی، فقر و نداری و هر بلایی و از زشتیها پیدا و پنهان آن ها.

۳- دعای بعد از نماز صبح: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسِيلِ وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلْبَةِ الرِّجَالِ وَبَوَارِ الْأَيْمِ وَالْغَفْلَةِ وَالذَّلَّةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْعَيْلَةَ وَالْمَسِيكَنَةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَمِنْ صَيْلَمَةٍ لَا تَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشِيئُنِي قَبْلَ أَوَانِ مَشِيئِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رِبَاءً وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ عَدَابًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ خَدِيْعَةٍ إِنْ رَأَى حَسِيْنَةَ دَفَنَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۵) خدایا به تو پناه می برم از غصه و غم و ناتوانی و سستی و بخل و ترس و انحراف در دین و غلبه مردان نابودی بیوه زنان و غفلت و ذلت و سنگ دلی و نیازمندی و بیچارگی و پناه می برم به تو از نفسی که سیرایی ندارد و قلبی که فروتنی ندارد و چشمی که نمی گیرد و دعایی که شنیده نمی شود و

نمازی که سودی ندارد و پناه می برم به تو از همسری که مرا پیر کند قبل از دوره پیری و پناه می برم به تو از فرزنددی که بر من آقایی کند و مالی که مایه عذاب من باشد و پناه می برم به تو، از دوست حيله گر زمانی که خوبی می بیند پنهان می کند و وقتی بدی می بیند آشکار می گرداند.

۴- أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَدَلَ أَوْ أُدَلَ أَوْ أَضَلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۷). خدایا به تو پناه می برم از این که کسی را خوار کنم یا خوار شوم، کسی را گمراه کنم یا گمراه شوم، به کسی ظلم کنم یا مورد ستم قرار گیرم، با کسی نادانی کنم یا مورد نادانی قرار گیرم.

۵- أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَ ظُلْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي وَ اتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَ اشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيُحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ فَأَكُونُ مَنْسِيًّا عِنْدَكَ مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَ نَقْمَتِكَ (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۰۲) خدایا به تو پناه می برم از این که گناهانم و ظلم و تندروری هایم و هواپرستی هایم و سرگرمی به شهوات و هوس هایم که این ها مانعی بشوند بین من و رحمت و بهشت تو، در نتیجه در پیش گاه تو فراموش شوم و در معرض خشم و عذاب تو قرار گیرم.

۶- أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضَرُورَتُهَا عَلَيَّ التَّعَوُّدُ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ (تهذيب الأحكام، ج ۳ ص ۷۴)، پناه می برم به تو از این که بیازمایی مرا به بلایی که ورود به آن مرا به گناهی عادت دهد.

۷- وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي حَيَالٍ كُنْتُ أَوْ أَكُونُ فِيهَا فِي عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ أَظُنُّ أَنَّ مَعَاصِيكَ أَنْتَجِحُ لِي مِنْ طَاعَتِكَ (تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۷۴). پناه می برم به تو از این که در شرایطی قرار گیرم، شرایط سخت یا آسان که گمان کنم که با گناه موفق ترم تا طاعت تو.

خطر تکبر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكِبْرِ (تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۷۸)، پناه می برم به تو از تکبر.

خطر بی اعتقادی وقت جان دادن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَيْدِلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ (تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۸۸)، پناه می برم به تو از این که لحظه جان دادن از اعتقادم برگردم.

خطرهای معنوی و اعتقادی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَ الشُّرُوكِ وَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ دَرَكَ الشَّقَاءِ وَ مَخَافَةَ الْعَدَى وَ سُوءَ الْمُتَقَلَّبِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ الْحَزْمَانِ وَ الْإِنْمَى وَ الْفَتَقِ وَ غَلَبَةِ الدَّيْنِ (مستدرک الوسایل، ج ۹، ص ۳۸۷) خدایا به تو پناه می برم از شک و شرک و جدایی و نفاق و بدبختی ساقط کننده و دشمن و بدعابتی و به تو پناه می برم از نداری و بیچارگی و محرومیت و مرگ و از هم پاشیدگی و چیره شدن بدهی.

ص: ۱۱۱

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (نحل، آیه ۹۸) و چون قرآن می خوانی، پس پناه ببر به خداوند از شیطان رانده شده.

شیطان خطری جدی

اشاره

چهارده بار خداوند در قرآن به انسان هشدار داده که شیطان دشمن توست مواظب باش؛ در قرآن کریم ۸۸ بار نام این دشمن با شیطان یعنی موجودی شرور و ۱۱ بار، با نام ابلیس یعنی موجودی مایوس و مایوس کننده آمده است. بیاییم این دشمن خطرناک را بشناسیم و خود را برای رویارویی با او آماده کنند. باید پاسخ به این سئوالات را از قرآن بگیریم:

۱- ویژگی های شیطان کدام است؟

۲- اهداف شیطان کدامند؟

۳- ابزار کار شیطان چیست؟

۴- از چه روش هایی استفاده می کند؟

۵- راه های مقابله با او و خنثی کردن توطئه های او کدامند؟

الف ویژگی های شیطان

۱- دشمن دیرینه و دشمن قسم خورده انسان است. او قسم خورده که همه انسان ها را گمراه کند.

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص، آیه ۸۲).

ص: ۱۱۲

دشمنی است که حملات همه جانبه دارد. قرآن می فرماید: ثُمَّ لَا تَبْنِيَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ عَن أَيْمَانِهِمْ وَ عَن شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف، آیه ۱۷) سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آن ها به سراغشان می روم.

۱- دشمنی مرموز است، او ما را می بیند اما ما او را نمی بینیم. إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (اعراف، آیه ۲۷).

۲- دشمنی است که هواداران و ایادی و تشکیلات اجتماعی دارد. قرآن کریم از قبیله و ذریه شیطان سخن می گوید: إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (اعراف، آیه ۲۷)، همان شیطان و همکارانش شما را می بیند از جایی که شما آن ها را نمی بینید. و در آیه ۱۲ سوره اسراء می خوانیم: فَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِنَا وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ، آیا شیطان و دودمانش را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید، درحالی که آن ها دشمن شما هستند!

۳- دشمنی است که تشکیلات سیاسی دارد. قرآن کریم از حزب شیطان سخن می گوید که: اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (مجادله، آیه ۱۹) شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آن ها برده، آنان حزب شیطان اند، بدانید که حزب شیطان زیان کارانند.

۱- دشمنی است که تشکیلات نظامی دارد. وَ اسْتَفْزُزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ اجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ (اسراء، آیه ۶۴)، هر کدام از آن ها را می توانی به صدایت تحریک کن، لشکر سواره و پیاده ات را بر آن ها گسیل دار.

۲- قرآن کریم از جنود و لشکریان شیطان سخن می گوید. وَ جُنُودُ ابْلِيسَ اُجْمَعُونَ. و همگی لشکریان شیطان (شعراء، آیه ۹۶)

۳- جمع کثیری را توانسته گمراه کند. وَ لَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (یس، آیه ۶۲). او (شیطان) گروه زیادی از شمار را گمراه کرد، آید اندیشه نمی کنید؟

۴- به سراغ همه حتی با تقویان و حتی انبیاء می رود. اِنَّ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ، همانا پرهیزگاران هنگامی که وسوسه ای از شیطان به آنان می رسد، یا شیطانی دورزننده به فکرشان آسیب رساند (بی درنگ) متذکر می شوند و در پرتو یاد او بینا و بیدار می شوند.

ب- اهداف شیطان

قرآن کریم از اهداف بلند و کلان شیطان پرده برداری کرده و به خداپرستان آگاهی داده تا بتوانند در مقابل او بایستند. اگر ما در مورد اهداف شیطان اشتباه کنیم، در جایی سرمایه گذاری می کنیم که بی فایده است. باید بدانیم او تخریب چه موقعیت هایی را برنامه ریزی

کرده و در همان مناطق پدافند بگذاریم. شناخت اهداف شیطان، ما را در سرکوبی او موفق می کند. حال به سراغ قرآن برویم و اهداف شیطان را بشناسیم.

۱- ایجاد تفرقه

قرآن کریم می فرماید: **إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ (مائده، آیه ۹۱)**. شیطان می خواهد بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند؛ حتی به خانه پیامبری چون یعقوب وارد می شود و بین فرزندان پیامبر حسادت ایجاد می کند و کار را به جایی می رساند که برادران در انداختن برادر کوچک خود در چاه متفق می شوند و حاضر می شوند سال ها پدر عزیز را در فراق فرزند بسوزانند؛ آری این همان تحلیل حضرت یوسف در پایان داستان است که فرمود:

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَيْدِ مَنْ بَعِيدٌ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۱۰۰ یوسف، آیه ۱۰۰) و پدر و مادر خود را بر تخت نشانند و همگی بخاطر او به سجده افتادند و گفت: پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم پروردگام آن را حق قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به این جا) آورد بعد از آنکه شیطان،

میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می داند)، صاحب لطف است چرا که او دانا و حکیم است.

۱- جلوگیری از یاد خدا و نماز

وَيُضَيِّدُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ (مائده، آیه ۹۱). و شیطان از ذکر خدا و از نماز جلوگیری می کند. شیطان می داند که هر جا یاد و نام خدا باشد، او ناموفق است. مشهور است که جن (شیطان) از بسم الله گریزان است. از همین روست که فرموده اند که در آغاز هر کاری، کوچک باشد یا بزرگ، مادی باشد یا معنوی، بسم الله بگویید و راه نفوذ شیطان را ببندید. در حدیث می خوانیم در خانه هایی که صدای اذان و تلاوت قرآن بلند است، شیطان وارد نمی شود. قرآن می فرماید: شیطان در صدد فراموش نمودن یاد خداست «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ» (مجادله، آیه ۱۹).

۲- گمراه کردن

هدف مهم شیطان، گمراه کردن انسان است او در صراط مستقیم کمین می کند و بندگان خدا را به دام می اندازد. قرآن می فرماید: قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ. (اعراف، آیه ۱۶) من بر سر راه مستقیم تر در برابر آن ها کمین می کنم.

ص: ۱۱۶

يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضَلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا. (نساء، آیه ۶۰) شیطان می خواهد انسان را گمراه کند و به بیراهه هایی دوردست بیافکند.

۱- کشف حجاب

یکی از اهداف مهم شیطان، برهنگی انسان از لباسی است که خداوند آن را از آسمان برای او فرستاد و فرمود: يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ (اعراف، آیه ۲۶)؛ نازل کردیم برایتان لباسی را که اندام شما را بپوشاند. خداوند انسان را برای هدفی مقدس و متعالی آفرید، اما شیطان تصمیم گرفت با کشف حجاب و ریختن لباس، انسان را به اندام خود و گزینه جنسی مشغول کند تا از همه اهداف خود عقب بماند و این هدف را در اولین حرکت خود در قصه آدم و حوا نشان داد. وقتی آدم و حوا به فرمان خدا در آن باغ بزرگ مستقر شدند خداوند به آن دو فرمود: هرچه می خواهید از خوردنی های این باغ بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید بود. شیطان با تردستی و ظرافت، خود را به آدم و حوا نزدیک کرد و به آن ها گفت: این که خداوند شما را از خوردن میوه این درخت نهی کرده، دلیلش این است که اگر بخورید جاودان می شوید و اگر بخورید فرشته می شوید و از آن جا که آدم و حوا جاودانگی و فرشته خوبی را دوست داشتند با تردید

به میوه درخت نهی شده نزدیک شده کمی از آن را چشیدند، ناگهان دیدند لباس هایشان ریخت. آری شیطان به هدف خود رسیده بود، اما آدم و حوا خیلی زود متوجه اشتباه خود شده با برگ درختان خود را پوشیدند و دست به دعا برداشته از خداوند درخواست بخشش کردند، خداوند نیز آنان را بخشید و به خاطر این که این تجربه برای آیندگان مورد استفاده قرار گیرد فرمود: يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا (اعراف، آیه ۲۷). ای فرزندان آدم (داستان شما داستان آدم است)، نکند شیطان شما را فریب دهد؛ همان گونه که آدم و حوا را فریب داد و لباس شان را از آن ها جدا کرد. این لباس، لباس کرامت شماس است. برهنگی و بی حجابی، هدف شیطان است؛ گول نخورید.

امروز شیطان های بزرگ و کوچک با هزاران ابزار نظیر: فیلم، هنر، داستان، رمان، ماهواره، اینترنت، نشریه و... میلیاردها دلار هزینه می کنند تا این هدف تحقق یابد که اگر تحقق یابد بازار بندگی خدا و معنویت انسان تعطیل خواهد شد.

۱- توسعه فحشا

قرآن می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (نور، آیه ۲۱)

ص: ۱۱۸

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چرا که هر کس از شیطان پیروی کند، او به فحشاء و منکر فرمان می‌دهد. آری شیطان به زشتی‌ها و بدی‌ها امر می‌کند. خدای رحمان به دنبال تزکیه و پاکی انسان است و شیطان در قصد آلوده کردن انسان و این جنگ، جنگی تمام‌ناشدنی است. جنگ بین حق و باطل، روشنی و ظلمت، در یک سو لشکریان رحمان و در سویی لشکریان شیطان.

۱- مصرف بی‌رویه و تبذیر

امکاناتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده، امانت‌های خدا در دست انسان است و باید هدف‌دار و در جای خود و به اندازه خرج شود. اما شیطان با استفاده از غرائز انسان، او را تحریک می‌کند که این امکانات را در مسیر هوس‌ها و خودپرستی‌های خودش بی‌رویه خرج کند. قرآن مبذرین را برادران شیطان لقب داده است: **إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا** (اسراء، آیه ۲۷). **حقاً آنان که اموالشان را در راه حرام و باطل ریخت و پاش می‌کنند، برادران شیطان هستند و شیطان همیشه در مقابل پروردگارش بسیار کافر و ناسپاس است.**

ج- ابزار شیطان

در دشمن‌شناسی، شناخت ابزار دشمن خیلی مهم است. آیا با شمشیر می‌جنگد یا با بمب یا بمب تخریبی یا شیمیایی، با تانک یا

تفنگ، با فشنگ‌ها یا با امواج. جنگ سخت یا جنگ نرم، به سراغ قرآن برویم و با ابزار شیطان از زبان قرآن آشنا شویم.

۱- شراب و قمار

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعِدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ. (مائده، آیه ۹۱)، جز این نیست که شیطان می‌خواهد میان شما با شراب و قمار دشمنی بیافکند.

متأسفانه امروزه رواج شراب و قمار در جامعه بشری غوغا می‌کند. حدود ۸۰٪ انگور تولیدی در جهان به شراب تبدیل می‌شود^(۱) و این به معنای موفقیت شیطان است.

۲- موسیقی

انسان صدای خوب و صوت دلنشین و موزون را دوست دارد. اسلام هم مدافع صدای خوب است و سفارش می‌کند که قرآن و اذان را مسلمانان با صدای خوب بخوانند؛ اما شیطان از همین جاذبه برای کار خودش استفاده می‌کند و موسیقی را در خدمت گمراهی انسان قرار می‌دهد و عقل او را تعطیل و شهوت او را تحریک می‌کند. قرآن کریم در آیه ۶۴ سوره اسراء، یکی از ابزار کار شیطان را صوت و موسیقی معرفی می‌کند. *وَاسْتَفْزَزَ مَنْ*

ص: ۱۲۰

۱- [۱]. گیاهان در قرآن، دکتر محمد اقتدار حسین، ترجمه احمد نمایی، ص ۴۳.

اَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ، ای شیطان هر کسی را که می توانی با آوای خود (به گناه) برانگیزی.

۳- ربا

شیطان در همه حوزه ها، از جمله در حوزه اقتصاد حضور پیدا می کند و اموال مردم را آلوده می کند و به قول قرآن: شریک اموال مردم می شود. وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ (اسراء ۶۴) با آنان در اموال و فرزندان شرکت نما. خداوند حکیم، ربا را حرام و جنگ با خدا شمرده، اما شیطان انسان را وسوسه می کند که ربا مثل بیع و معامله است و تفاوتی بین آن ها نیست. قرآن کریم می فرماید: رباخور وقتی در قیامت محشور می شود تعادل ندارد و پیدا است که شیطان با او تماس داشته است. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا - كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (بقره، آیه ۲۷۵) کسانی که ربا می خورند (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان دیوانه شده است (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی به پا می خیزد). توسعه و ترویج مال حرام از برنامه های شیطان است. امروزه شیاطین جهان خوار زیر پوشش انواع شرکت های مالی و اقتصادی خون مستضعفان را می مکند و یک درصد بر منافع نود و نه درصد، حاکمیت دارند.

ص: ۱۲۱

در حدیث می خوانیم: النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ (الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹) نگاه آلوده، تیری از تیرهای مسموم شیطان است. شیطان انسان را به نگاه آلوده تحریک می کند و چه بسا با یک نگاه او را به قعر جهنم می فرستد. در حدیث می خوانیم: كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً (الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹).

چه بسا یک نگاه حسرت ابدی را به دنبال دارد. (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۹) رسول خدا (ص) فرمود: ایها الناس انما النظر من الشیطان، ای مردم: نگاه آلوده از شیطان است.

۴- حاکمیت طاغوت

طاغوت یکی از ابزارهای شیطان است که برنامه های شیطان را موبه مو اجرا می کند. رسالت مهم انبیاء دعوت به یکتا پرستی و اجتناب از طاغوت بوده است. وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، آیه ۳۶).

قرآن کریم مراجعه به حاکم جابر و طاغوت را ممنوع و آن را زمینه گمراهی شیطان معرفی می کند و در سوره نساء می فرماید: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا. (سوره نساء، آیه ۶۰) آیا ندیدی کسانی را

که گمان می کنند به آن چه بر تو و بر پیشینیان نازل شده ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حاکمان باطل بروند، یا این که به آن ها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، گمراهی عمیقی.

۳- بحث و گفت و گو، جدل و کشمکش

همه ابزارهای شیطان جذاب و به ظاهر زیباست. مثل موسیقی، شراب، قمار، نگاه و ...

بحث و گفت و گو نیز موردپسند انسان هاست از این ابزار هم شیطان

برای مقاصد خود استفاده می کند. قرآن می فرماید: **إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحِيَونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ** (انعام، آیه ۱۲۱) شیطان ها برای دوستان خود مطالب مخفیانه القاء می کنند تا با شما به مجادله و گفت و گو برخیزند، اگر از آن ها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود. انگیزه های گفت و گو می تواند سالم یا مخرب باشد. شیطان از این قالب جذاب برای تخریب استفاده می کند.

د- روشهای شیطان

در دشمن شناسی از ظریف ترین بخش ها، شناخت روش هاست. حتی اگر اهداف و ابزار دشمن را بشناسیم، اما ندانیم با چه روش هایی این اهداف را پیاده می کند، بازی را خواهیم باخت. باز به

سراغ کتاب انسان ساز خدای بزرگ، یعنی قرآن می رویم تا از این کتاب روش های شیطان را بشناسیم و با بصیرت با او روبه رو شویم:

۱- روش تدریج و گام به گام

شیطان در گمراه کردن انسان عجله ندارد. با برنامه ریزی دراز مدت انسان را گام به گام به کام بدبختی می کشاند. بارها در قرآن می خوانیم: خطوات الشیطان، گام های شیطان، او از کم شروع می کند تا به زیاد برسد؛ از گناهان کوچک شروع می کند تا به گناهان بزرگ برسد. از شوخی شروع می کند تا به جدی برسد. پنج بار در قرآن واژه خطوات شیطان به کار رفته است و خداوند می فرماید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ (نور، آیه ۲۱)، ای کسانی که ایمان آورده اید، از گام های شیطان پیروی نکنید. آری شیطان برای رسیدن به مقصد خود برای شکستن انسان برنامه دارد. برنامه کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت.

۲- روش تزیین

شیطان پیشنهادات خود را می آراید و در بسته بندی فوق العاده شیک و جذاب عرضه می کند و انسان گول همین زیبایی ظاهری را می خورد و غذای مسموم را به خاطر رنگ آمیزی و جلوه ظاهریش می خورد (قرآن می فرماید) زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (نمل، آیه ۲۴) شیطان کارهایشان را زینت می دهد، آن ها را از راه بازداشته از این رو هدایت نمی شوند و از

قول خود شیطان می فرماید: لَا زَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غَوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ (حجر، آیه ۳۹) من حتماً تزین خواهم کرد و همگی را گمراه خواهم ساخت.

۱- توجیه

روش دیگر شیطان توجیه است. انسان وقتی به کار نادرست می رسد تردید می کند شیطان با توجیه هایش او را قانع می کند تو جوانی، عیب ندارد، به زودی توبه می کنی جبران می شود یا می گوید: شانس من این بود، قضا و قدر چنین بود چه کنم، پدران ما چنین کردند ما چنین شدیم. مقدر نبود من نمازخوان باشم. مشرکان می گفتند: اگر خدا می خواست مشرک نمی شدیم، بت ها را نمی پرستیدیم (نحل، آیه ۳۵). یزید در توجیه شهادت امام حسین (ع) می گفت: خدا این گونه خواسته است. منافقین در صدر اسلام پایگاه تفرقه ایجاد کردند، ولی نام مسجد را روی آن گذاشتند و می گفتند: این پایگاه اسلام است. هارون الرشید امام کاظم (ع) را زندانی کرد و سر قبر پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله عذرخواهی می کنم. این کار را کردم چون فرزندان من خواست دو دستگی ایجاد کند.

در بسیاری از مسائل اجتماعی، شیطان مردم را توجیه می کند تا به عمل حرام دست بزنند، می گوید: رسم چنین است، اگر این کار را نکنی زشت است «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» زدند و ما رقصیدیم. همه دارند این کار را می کنند اگر هم رنگ نمی شدیم

ما را مسخره می کردند. بعضی هم با این توجیهاات و می گویند: ما دیگر غرق در گناهیم. آب که از سرگذشت چه یک
و جب چه صد و جب. سیگار می کشد، می گوید: عادت کردم. ۶۰ سال دارد بی سواد است، می گوید: از ما گذشته. یا می
گوید: خجالت می کشم. دروغ می گوید، بعد توجیه می کند که شوخی کردم. غیبت می کند و می گوید: در حضورش هم
می گویم.

۱- وسوسه

اگر طلا و جواهرات زیادی اگر در جایی باشد، در اثر جابه جایی آن ها صدایی سحرآمیز به گوش انسان می رسد که آن را
وسواس می گویند. از آن گذشته به پیام های تحریک آمیز که انسان را به سمت بدی دعوت می کند و افکار و اوهام مطلوبی
که در درون و جان انسان پیدا می شود، وسوسه گفته اند. شیطان انسان را با وسوسه رام و خام کرده و به گناه می کشاند.
قرآن می فرماید: إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ (انعام، آیه ۱۲۱) شیاطین پیام های آهسته به هوادارانشان القاء می کنند. در
سوره ناس ما به سه اسم خدا از این خطر مهم به خدا پناه می بریم. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ
النَّاسِ (۲) إِلَهَ النَّاسِ (۳) مَنْ شَرَّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶) بگو پناه می برم
به پروردگار مردم، پادشاه

ص: ۱۲۶

مردم، معبود مردم، از سر و سوسه گر پنهان که در سینه های مردم نفوذ می کند خواه از جن باشد یا از انسان.

۱- ترساندن

یکی دیگر از روش های شیطان ترساندن است. او از طریق ترساندن انسان را وادار به گناه می کند. قرآن می فرماید: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ (بقره، آیه ۲۶۸)، شیطان مردم را از فقر آینده می ترساند و مانع انفاق آن ها می شود. به محض این که تصمیم گرفت به بینوایی کمک کند، می گوید خودت آینده داری، بچه داری، مریضی داری، برای خودت نگه دار.

قرآن می فرماید: شیطان مسلمانان را از دشمن می ترساند و تسلیحات و امکانات و نفرات دشمن را به رخ آن ها می کشاند تا از مقاومت دست بردارند؛ اما خداوند می فرماید نترسید اگر ایمان دارید.

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران، آیه ۱۷۵)، این فتوای شیطان است که پیروان خود را با سخنان و شایعات بی اساس می ترساند؛ از آن ها نترسید و شما از من بترسید اگر ایمان دارید.

۲- وعده دادن

روش دیگر شیطان، گمراه کردن انسان از راه وعده های پوشالی و دروغ است. قرآن می فرماید: يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا

ص: ۱۲۷

عُزُورًا (نساء، آیه ۱۲۰)، شیطان به آن‌ها وعده می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌کند درحالی‌که جز فریب و نیرنگ نیست.

شیطان برای فریب دادن آدم و حوا به آن‌ها وعده داد که اگر از این درخت بخورید زندگی و حکومت ابدی خواهید داشت. جالب این است که هم خداوند وعده می‌دهد و هم شیطان؛ اما وعده‌های خداوند راست است و لَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ وَعْدَهُ (حج، آیه ۴۷). اما وعده‌های شیطان فریب است. قرآن می‌فرماید: رستاخیز که به پا شد و کار کیفر و پاداش به اتمام رسید، شیطان از روی ملامت به دوزخیان می‌گوید: همانا خداوند به شما وعده داده است و من به شما وعده دادم، ولی من تخلف کردم؛ من بر شما تسلطی نداشتم جز آن که شما را دعوت کردم و شما به میل خود استجابت کردید پس مرا ملامت نکنید و خود را سرزنش کنید. (ابراهیم، آیه ۲۲)

۱- کمین کردن

شیطان دشمن زیرکی است که در کمین انسان می‌نشیند تا او را به دام بیاندازد و هم چون صیادی ساعت‌ها و گاهی روزها و ماه‌ها منتظر می‌ماند تا ساعت موعود فرا رسد و صید به دام افتد. قرآن از قول شیطان می‌گوید: قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (اعراف، آیه ۱۶) خدایا برای فریب دادن بندگانت، بر سر راه راست تو به کمین خواهم نشست.

ص: ۱۲۸

آری چنین دشمنی در کمین ماست. آیا جز با یاد خدا و مدد از خداوند می توانیم از شر او مصون بمانیم. راهی که خداوند به ما نشان داده نماز است: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ (بقره، آیه ۱۵۳).

هـ - راه های مقابله و خنثی سازی

۱- استعاذه و پناه بردن به خدا

قرآن کریم می فرماید: وقتی هجوم شیطان متوجه شما شد، خود را به خدا بسپار و از لطفش مدد بخواه، زیرا او سخن تو را می شنود و از اسرار درونت آگاه و از وسوسه های شیطان باخبر است. وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (اعراف، آیه ۲۰۰ و فصلت، آیه ۳۶) هرگاه وسواسی از جانب شیطان به سراغت آمد به خدا پناه ببر که او شنوای داناست.

۳- یاد خدا

قرآن می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف، آیه ۲۰۱) پرهیزکاران این گونه اند که وقتی گرفتار وسوسه های شیطان می شوند به یاد خدا می افتند و در پرتو یاد خدا بینا می گردند.

۴- اخلاص

ص: ۱۲۹

قرآن می فرماید: شیطان گفت به عزت تو سوگند که همه بندگانت را گمراه می کنم، مگر آنان که مخلص باشند. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (ص، آیه ۸۳) معلوم می شود مخلصین در منطقه نفوذ و حوزه وسوسه شیطان قرار نمی گیرند. همانان که در راه معرفت و بندگی خدا از روی اخلاص و صدق و صفا گام برمی دارند. قرآن در آیه ۲۰ سوره سبأ می فرماید: گمان شیطان درباره آن ها به واقعیت پیوست و جز گروهی از مومنان همه از او پیروی کردند.

۳- قطع رابطه با هواداران شیطان

قرآن می فرماید: وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يُخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يُخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنسِينُكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (انعام، آیه ۶۸) هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزاء می کنند، از آن ها روی بگردان تا به سخن دیگری پردازند، و اگر شیطان از یاد تو برد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستم گر منشین. پایان

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

